

ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران

Tools and Methods of Mobilization and Protest in the Islamic Revolution of Iran

Ali Morshedizad*

Mahdieh Rahnamaye BaghSorkh**

علی مرشدی‌زاد*

مهديه رهنمای باغ‌سرخ**

دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۵

پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

Abstracts

This article is to learn about tools and methods of mobilization and protest in the Islamic Revolution of Iran. It is especially important because it enlarges our theoretical knowledge of the issue. The research method used is historical and documentary analysis. The results show that the Iranian revolutionaries, in the first stage of their activities, adopted methods such as delivering speeches, press coverage, publishing leaflets and CDs, mythmaking, etc. for mobilization, but in the subsequent stage, they resorted to rallies, strikes, slogans, assassinations, armed struggle, vandalism, occupation, military disobedience, holding poetry reading sessions, dispatching protest letters, etc. for expressing their dissatisfaction.

Keywords: Iran, Islamic revolution, mobilization, protest

چکیده

هدف این مقاله شناخت ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران است. شناخت ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض از این جهت که بسط و توسعه دانش و ادبیات نظری را در پی دارد، دارای اهمیت است. سؤال پژوهش چستی ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران بودند. روش تحقیق این مقاله تاریخی و تحلیل اسنادی است. بر طبق یافته‌های این پژوهش انقلابی‌ها در ایران پس از اینکه با ابزارها و شیوه‌های گوناگونی همچون سخنرانی، مطبوعات، پخش اعلامیه، پخش لوح‌فشرده، اسطوره‌سازی و... بسیج شدند با روش‌هایی مانند تظاهرات، اعتصاب، شعار، قتل و ترور، مبارزه مسلحانه، تخریب و تصرف، نافرمانی نظامی، برگزاری شب شعر، ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز و... اعتراض خود را بیان کردند.

واژگان کلیدی: ایران، انقلاب اسلامی، بسیج، اعتراض.

* Associate Professor, Political Science and Islamic Revolution Studies Department, Shahed University

** M.A. Student of Sociology of Islamic

Shahed University, mahdiehrahnama@chmail.ir

* دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد
morshedizad@shahed.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

دانشگاه شاهد، نویسنده مسئول، mahdiehrahnama@chmail.ir

مقدمه

بسیاری از مورخان و پژوهشگران، وقایع ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ در قم را به عنوان نقطه شروع انقلاب اسلامی در نظر می‌گیرند. به دنبال انتشار مقاله موهن نسبت به مرجع تقلید بزرگ زمان، امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۷ دی ۵۷ در روزنامه اطلاعات، خشم مردم ایران به ویژه مردم مذهبی قم برانگیخته شد. بازار و کلاس‌های درس تعطیل شد و مردم پس از دیدار علما دست به راهپیمایی زدند اما توسط نیروهای رژیم به خاک و خون کشیده شدند. به دنبال این واقعه برگزاری پیایی چهلم شهدا، چراغ مبارزه را روشن نگه داشت.

مردم تبریز در چهلم شهدای قم اقدام به برگزاری تظاهرات کردند که آن‌ها نیز توسط رژیم هدف گلوله قرار گرفته و تعدادی به شهادت رسیدند. چهلم شهدای تبریز در شهرهای مختلف به درگیری انجامید که مهم‌ترین آن‌ها در یزد بود. بدین ترتیب مبارزات مردمی که از زمستان ۵۶ به صورت علنی آغاز شده بود، در تابستان ادامه یافت و با راهپیمایی ۱۷ شهریور به اوج خود رسید. به دنبال حادثه خونین ۱۷ شهریور، مردم که دیگر هیچ‌گونه مشروعیتی برای رژیم قائل نبودند با روش‌های گوناگون به مبارزه با آن پرداختند. هر روز تعداد بیشتری از مردم به جمع انقلابیون می‌پیوستند و وارد عرصه مبارزه می‌گردیدند. موج اعتصاب‌ها به خصوص اعتصاب در صنعت نفت، کشور را که به شدت متکی به درآمدهای نفتی بود، فلج کرد. رژیم که یارای مقابله با انقلابیون را نداشت، سعی می‌کرد با تعویض دولت خود را از منجلابی که در آن افتاده است نجات دهد اما نه دولت آشتی ملی شریف‌امامی و دولت نظامی از هاری هیچ‌کدام مؤثر واقع نشد و نتوانست تاج و تخت پهلوی را نجات دهد. مردم ناراضی‌تر از آن بودند که این تغییرات ظاهری بتواند فریشان دهد.

رهبران انقلابی با بهره‌گیری از ناراضی‌های مردم، با روش‌های گوناگون آنان را بسیج کرده و ادامه

مسیر مبارزه را به آن‌ها می‌نمایاندند. بدین ترتیب انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی (ره) در تاریخ ۲۲ بهمن ۵۷ پیروز گردید و مردم توانستند بساط حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را برچیده و حکومت اسلامی را جایگزین آن کنند.

این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال است که ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران چه بودند؟ روش مورد استفاده این پژوهش، کیفی و از نوع تاریخی و تحلیل اسنادی است. داده‌های پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و به وسیله فیش‌برداری گردآوری شده‌اند.

تاریخچه

جنبش‌های اجتماعی در ایران دارای سابقه بسیار طولانی هستند و مبدأ آن‌ها به جنبش تنباکو برمی‌گردد. در واقع تا سال ۱۲۶۹، در کشور ایران هیچ‌گونه کنش جمعی که شکل جنبش اجتماعی داشته باشد، وجود نداشته و بیشتر جنگ‌های ایلی و قبیله‌ای رواج داشته است؛ اما با اعطای قرارداد انحصار تنباکو از سوی دولت ایران به شخصی به نام تالبوت، این طلسم شکسته شد و برای نخستین بار حرکت‌های جمعی مردمی توسط افراد و گروه‌های مخالف و معترض تجربه گردید؛ از این رو استفاده از ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در تاریخ مبارزات سیاسی کشور که بخش اساسی هر جنبشی را شکل می‌دهند از این زمان آغاز شد.

به دنبال اعطای امتیاز خرید و فروش تنباکو به تالبوت انگلیسی، روش‌های مختلف اعتراضی همچون تعطیلی بازار، ایراد سخنرانی‌های اعتراض‌آمیز، ارسال تلگرام به دربار مورد استفاده واقع شد؛ اما هیچ‌کدام از آن‌ها نتوانست سبب لغو این امتیاز شود تا اینکه میرزا رضای شیرازی مرجع تقلید زمان، به نشانه اعتراض استفاده از توتون و تنباکو را حرام اعلام کرد. این اقدام منجر به لغو این قرارداد از طرف ناصرالدین‌شاه شد. در

می‌شود. برخی از روش‌هایی که در قرون گذشته در چته جنبش‌ها وجود داشت، امروزه یا به‌طور کامل منسوخ گردیده‌اند و یا تغییر شکل داده‌اند و تعدادی از آن‌ها به همان صورت باقی مانده‌اند؛ برای مثال شورش‌های مالیات که در قرن هفدهم اتفاق می‌افتاد و یا ماشین‌شکنی، شاریواری، آوازه‌خوانی و جنگ بین روستاها که از نمودهای اعتراضی قرن هجدهم محسوب می‌شد، به‌مرور از چته کنش‌های جمعی خارج گردید و حتی بسیاری از این روش‌ها از نظر مردم قرن بیستم عجیب و پیش‌پاافتاده به نظر می‌رسید. چته‌های کنش جمعی دارای ویژگی‌هایی هستند که در ادامه به ذکر آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. چته‌های کنش جمعی انباشتی هستند: چته‌های کنش جمعی انباشتی و حاصل تجربه گذشتگان‌اند. در هر جامعه مخزنی از ابزارها و شیوه‌هایی وجود دارد که در طی زمان جمع‌آوری شده و افراد به‌وسیله آن‌ها می‌توانند به بیان خواسته‌های خویش بپردازند؛ بنابراین گذر زمان می‌تواند موارد خاصی را به چته کنش جمعی اضافه و تعدادی را نیز حذف کند (تیلی، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

۲. چته کنش‌های جمعی گزینشی است: همان‌طور که بیان شد، چته‌های کنش جمعی انباشتی و حاصل تجربیات گذشتگان است؛ بنابراین هر گروه برای انجام فعالیت‌های اعتراضی گزینه‌های مختلفی در اختیار دارد. گروه جهت انتخاب گزینه‌ای از درون چته کنش‌های جمعی به مسائلی چون شرایط زمانی و مکانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نحوه معیشت مردم، دین و مذهب و... توجه دارد.

۳. چته‌های کنش جمعی قابلیت انتقال از جامعه‌ای به جامعه دیگر را دارند: چته‌ها می‌توانند از جامعه‌ای به جامعه دیگر منتقل شوند. به‌خصوص اگر در جامعه مبدأ، این روش‌ها به‌خوبی پاسخ داده باشند و معترضان را به اهداف خود رسانده باشند، به‌سرعت به سایر جوامع منتقل شده و مورد تقلید سایرین قرار می‌گیرند.

جریان انقلاب مشروطه نیز روش‌های اعتراضی گوناگونی مورد استفاده معترضان قرار گرفت، تعطیلی دکان‌ها و بازار، شورش و تحصن و بست‌نشینی از جمله اقدامات اعتراض‌آمیز مشروطه‌خواهان بود که سرانجام مفید واقع شدند و مشروطه‌خواهان توانستند فرمان تأسیس مجلس را از مظفردالدین‌شاه بگیرند. در جریان ملی شدن صنعت نفت اعتراضات به شاه و حمایت از مصدق، بیشتر به‌صورت تظاهرات و برگزاری تجمع سیاسی به وقوع پیوست. واقعه مهم بعدی در تاریخ معاصر ایران که موج اعتراضات مردمی را برانگیخت، مربوط به دستگیری امام خمینی (ره) در ۱۳ خرداد ۴۲ است که مردم به نشانه اعتراض به این اقدام رژیم در ۱۵ خرداد دست به تجمع و سپس تظاهرات زدند اما توسط رژیم به خاک و خون کشیده شدند. اعتراضات مهم بعدی در جریان انقلاب اسلامی ایران میان سال‌های ۵۶ و ۵۷ به وقوع پیوست که موضوع مقاله حاضر است و در ادامه به‌تفصیل به آن پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

جنبش‌های اجتماعی نوعی کنش جمعی هستند. چارلز تیلی کنش جمعی را کنش مردم با هم، در تعقیب منافع مشترک تعریف می‌کند. در جنبش‌های اجتماعی شرکت‌کنندگان با ابزارها و شیوه‌های گوناگون بسیج شده و درخواست‌هایشان را بیان می‌کنند. یکی از نقش‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی انتخاب شیوه‌ها و ابزارهای بسیج و اعتراض است. این انتخاب به عوامل گوناگونی بستگی دارد. باید اهداف جنبش، شرایط و فرهنگ حاکم بر جامعه، میزان اثربخشی تاکتیک و... در نظر گرفته شود. چنانچه این انتخاب نامناسب انجام گیرد نه‌تنها انقلابیون را به اهدافشان نمی‌رساند، بلکه هزینه‌های زیادی نیز به جنبش وارد می‌کند.

در این پژوهش مجموعه ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در جنبش با نام چته کنش جمعی خوانده

آن‌ها ابزار فعالیت‌های انقلابی را انتخاب و تاکتیک‌های جنبش و زمان پیاده کردن آن‌ها را تعیین می‌کنند. بخشی از نقش رهبران انقلابی تأکید بر موضوعاتی است که بتواند پیروان را متحد کند. همچنین رهبر موفق انقلابی می‌تواند مجموعه رویدادهای بزرگ و شرایط عمومی‌تر را به صورت عبارتی قابل فهم برای زندگی روزمره شهروندانی که در مدیریت جامعه نقش ندارند تفسیر کند (گرین، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۳). رهبران انقلابی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه و با توجه به ایدئولوژی جنبش، شیوه‌هایی را جهت بسیج توده‌ها و به نمایش درآوردن اعتراض آن‌ها به کار می‌گیرند (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۳).

۳. سازمان بسیج: سازمان در فرآیند انقلابی کارویژه‌هایی چون انسجام‌بخشی به انقلابیون، برقراری ارتباط میان آن‌ها، مردم و رهبری، اطلاع‌رسانی لازم، جذب و آموزش نیروهای انقلابی، تأمین تدارکات و منابع مالی و پشتیبانی را بر عهده دارد (غفاری هاشجین و همکاران، ۱۳۹۱: ۳). گروه‌ها و سازمان‌ها نقش مهمی در سازمان‌دهی و جریان‌سازی در طول هر انقلابی دارند. می‌توان ادعا کرد معمولاً بسیج مردمی منتج به انقلاب، حاصل فعالیت‌های چندساله گروه‌ها و سازمان‌هاست (کشاورز شگری و فرهادی، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

احزاب و سازمان‌ها برای جلب حمایت مردم باید وسایل و روش‌هایی به کار گیرند که تجربه و میزان درک سیاسی‌شان را به حساب آورد و برای آن‌ها آشکار و خالی از ابهام باشد. هدف و وظیفه احزاب و سازمان‌ها این است که با مردم اما پیشاپیش آن‌ها و رهبرشان باشند. تجربه خود سازمان‌ها و احزاب و بهره‌گیری از تجربیات سایر احزاب و سازمان‌های جهان به آن‌ها کمک می‌کند تا رهبری سیاسی درستی را اعمال کنند.

جنبش‌های اعتراضی ممکن است از ابزارها و شیوه‌های سایر گروه‌ها و جنبش‌ها الگوبرداری کنند و شیوه‌های عمل خود را تغییر دهند.

۴. چته‌های کنش‌های جمعی تغییر تدریجی و مستمر دارند: همان‌طور که گفته شد، چته‌ها نسل به نسل منتقل می‌شوند و افراد و گروه‌ها به تناسب زمان و مکان و سایر شرایط زمانه خویش از آن‌ها بهره می‌گیرند. تغییر در چته‌ها به صورت مستمر و آرام صورت می‌گیرد و ابزارها و شیوه‌های جدید به تدریج وارد چته کنش جمعی می‌گردد. یکی از عوامل تغییر در چته‌ها نوآوری است. این نوآوری می‌تواند یک ابزار و روش کاملاً جدید ایجاد کند و یا تغییری در نحوه اجرا و یا ترکیبی از چند ابزار و شیوه با یکدیگر به وجود آورد.

۱. ابزارها و شیوه‌های بسیج (چته بسیج)

تیلی در تعریف بسیج آن را فرآیندی می‌داند که یک گروه به کنترل بر منابع لازم برای کنش جمعی دست می‌یابد (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳). شکل‌گیری بسیج توده‌ای یا انقلابی دشوارترین مرحله یک انقلاب است. تا جایی که کندی و کاستی در آن همواره تعیین‌کننده تحقق یا عدم تحقق انقلاب‌ها به شمار رفته است (شجاعی زند، ۱۳۸۳: ۲۸). شکل‌گیری بسیج توده‌ای نیازمند ایدئولوژی بسیج، سازمان بسیج و رهبری بسیج است.

۱. ایدئولوژی بسیج: بسیج سیاسی نیازمند سبیل‌ها و شعارهایی است که به وسیله ایدئولوژی بسیج تأمین می‌گردند. ایدئولوژی نقش عمده‌ای در بسیج انقلابی دارد. ایدئولوژی ضمن نکوهش وضع موجود به ترسیم وضع مطلوب می‌پردازد. ایدئولوژی بسیج وقتی به صورت ایدئولوژی کل جامعه پذیرفته و ظاهر شود، توانایی بسیج همگانی پیدا می‌کند (بشیریه، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۱).

۲. رهبری بسیج: بیشتر دانش‌پژوهان نهضت‌های انقلابی معتقدند که انقلاب را رهبران انقلابی نمی‌سازند.

نمایش‌های عمومی وجود دارد محدودیت‌ها و معضلات خاص خود را دارد. یکی از این محدودیت‌ها و معضلات این است که از یک طرف اعتراض‌کنندگان باید تهدید به ایجاد اختلال و بی‌نظمی کنند تا اعتراضشان مؤثر واقع شود، اما از طرف دیگر باید مراقب باشند که مبادا مردم به‌جای ترغیب شدن به حمایت از هدف موردنظر اعتراض، به‌واسطه مشکلاتی که در اثر این اختلال‌ها و بی‌نظمی‌ها برایشان ایجاد می‌شود، به مخالفت با همان هدف برخیزند.

۳- منطق شهادت دادن: اشکال اعتراضی که می‌توان آن‌ها را مبتنی بر منطق شهادت دادن دانست به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ در کنار اشکال اعتراض مبتنی بر منطق تعداد و منطق خسارت مادی توسعه یافته‌اند. این عمل به دنبال نشان دادن تعهد قوی اعتراض‌کنندگان به هدفی است که برای آینده ترسیم کرده‌اند. نافرمانی مدنی یا به‌عبارت‌دیگر، نقض عمدی قوانینی که ناعادلانه تلقی می‌شوند، مبتنی بر این منطق است. آن‌ها با این اقدامشان به این اعتقاد شهادت می‌دهند که باید در مقابل تصمیمی که شدیداً ناعادلانه تلقی می‌شود واکنشی صورت گیرد حتی اگر این واکنش‌ها واقعاً دربردارنده خطراتی جدی باشد (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۲۵۷-۲۴۹).

رهبر جنبش اعتراض باید مدبرانه روش‌های اعتراضی را از میان گزینه‌های موجود برگزیند. انتخاب اقدامات و روش‌های تندروانه و افراطی شاید مطلوب گروهی از معترضین باشد اما اعضای عادی جنبش را می‌ترساند و خطر ریزش آن‌ها را به دنبال دارد. جنبه دیگر این مسئله را هم باید در نظر داشت؛ ممکن است حامیان فعال و متعصب جنبش مایل به استفاده از رفتارهای افراطی باشند و اجتناب رهبر از این رفتارهای افراطی برای حفظ متحدان بالقوه، خطر از دست دادن این طرفداران متعصب را به دنبال داشته باشد.

۲. ابزارها و شیوه‌های اعتراض (چننه اعتراض)

اعتراض عملی غیرمتعارف است که در آن کانال‌های غیرمستقیم نفوذ، از طریق فعالیت سلسله‌ای از بازیگران جمعی گشوده می‌شوند. مسلماً جنبش‌های اجتماعی انحصار اعتراض را در دست ندارند. بازیگران دیگر نظیر احزاب سیاسی یا گروه‌های فشار نیز از اعمال اعتراض استفاده می‌کنند؛ اما اعتراض به‌ویژه در نوآورانه‌ترین و تندروترین شکلش یک شکل عملی مخصوص جنبش‌های اجتماعی تلقی شده است؛ چراکه جنبش‌های اجتماعی بر خلاف احزاب سیاسی و گروه‌های فشار از کانال‌های کمتری برای دسترسی به تصمیم‌گیرندگان برخوردارند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۲۵۷-۲۴۴).

سه منطق مؤثر بر اشکال عمل جمعی منطق تعداد، منطق خسارت مادی و منطق شهادت دادن هستند:

۱- منطق تعداد: منطق تعداد مبنای اشکال زیادی از اعتراضات است. از آنجاکه به نظر می‌رسد همیشه در تعداد، قدرت وجود دارد، پس سرنوشت یک جنبش تا حد زیادی به تعداد حامیانش وابسته است. طبیعتاً گسیختگی روال جاری امور روزمره با افزایش تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر می‌شود و هر چه تعداد زیادتر باشد رژیم در کنترل ناآرامی‌ها ناتوان‌تر است. تظاهرات علاوه بر اینکه سبب گسیختگی فوری می‌شوند، برحسب وسعتشان شاخصی نیز به دست رژیم می‌دهند که مخالفان تا چه حد از حمایت مردمی بهره‌مندند؛ بنابراین جنبش‌های اجتماعی باید بیشترین تعداد ممکن راهپیمایی‌کنندگان را بسیج کنند. راهپیمایی‌ها یکی از تاکتیک‌های اصلی برای نشان دادن قدرت عددی پشت اعتراض‌ها هستند.

۲- منطق خسارت مادی: منطق وارد آوردن خسارت مادی باید در کنار منطق تعداد مورد توجه قرار گیرد. اعتصاب به‌عنوان شکلی از اقدام، از چنین منطقی پیروی می‌کند. منطق خسارت مادی که در همه اشکال

ابزارها و شیوه‌های بسیج در انقلاب اسلامی ایران

۱. نوار کاست

پیش‌زمینه هر انقلاب بسیج سیاسی توده‌هاست. گروه‌های انقلابی اعضای خود را از طریق ایجاد وفاداری، تعهد و انسجام گروهی کنترل و گرایش‌های فردگرایانه اعضای خود را خنثی و آنان را در حرکت‌های جمعی بسیج می‌کنند. رهبران و بسیج‌کنندگان غالباً با توسل به اصول مشترک مانند عدالت و برابری سعی می‌کنند نارضایتی و خشم خود را ضد مخالفانشان جهت دهند. آن‌ها برای این کار از آموزش سیاسی، بحث‌های ایدئولوژیک، سخنرانی و پخش اعلامیه و جزوات استفاده می‌کنند (پناهی، ۱۳۹۱: ۲۳۴-۳۳۳). انتخاب ابزارها و شیوه‌های بسیج از میان گزینه‌های موجود توسط رهبران انقلابی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه و با توجه به ایدئولوژی جنبش صورت می‌گیرد.

برای ایجاد بسیج سیاسی باید میان اعضای جامعه، گونه‌ای از ارتباطات، هرچند ضعیف وجود داشته باشد. اگر در جامعه‌ای مردم به صورت پراکنده و ذره‌گونه باشند و رهبر انقلابی با توده‌ها در ارتباط نباشد، امکان بسیج توده‌ها توسط رهبر میسر نیست؛ لذا رهبر انقلاب باید با توسل به ابزارها و شیوه‌هایی با مردم ارتباط برقرار کند تا در امر بسیج توده‌ای موفق شود.

یکی از شگفتی‌های انقلاب ایران فقدان رسانه‌های ارتباطی قوی و مدرن در دست رهبران انقلاب و برعکس، وجود رسانه‌های متعدد مدرن در اختیار رژیم پهلوی بود (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۴۱)؛ بنابراین از مسائل مهم مورد توجه پژوهشگران، در سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های بعد از آن، رسانه‌های مورد استفاده رهبران انقلاب اسلامی جهت برقراری ارتباط با مردم به‌منظور ترویج ایدئولوژی انقلاب و سازمان‌دهی و بسیج مردمی بود. در ادامه ابزارها و شیوه‌های بسیج در انقلاب اسلامی ایران برشمرده می‌شوند.

نوار کاست یکی از ابزارهای اطلاع‌رسانی مخالفان بود که در طول انقلاب اسلامی از آن به‌کرات در جهت بسیج مردمی و بیداری توده‌ها استفاده شد و مخالفان کوشیدند تا با استفاده از آن، ذهنیت و افکار پیروانشان را به بهترین شکل برای مبارزه با رژیم پهلوی مهیا کنند. نوارهای صوتی نقش بسیار مهمی را در سیر انقلاب ایفا کردند. در واقع یکی از نمادهای انقلاب اسلامی ایران این بود که تنها نوارهایی که در اتوبوس‌های مسافری، کامیون‌های باری و تاکسی‌ها پخش می‌شد، نوار سخنرانی‌های امام خمینی (ره) بود؛ به‌عبارتی، می‌توان گفت نماد فناوریانه این انقلاب نوار کاست بود (الگار، ۱۳۶۰: ۱۳۴).

انقلابیون برای نخستین بار به‌طور اساسی این ابزار را در سال ۱۳۵۶، مصادف با فوت مشکوک فرزند حضرت امام (ره) به کار بردند و از آن پس استفاده از این ابزار بسیج تا بازگشت امام (ره) به خاک ایران تداوم یافت. در این سال به مناسبت فوت ناگهانی حاج سید مصطفی خمینی (ره) (اول آبان ۵۶)، مراسم سوگواری و مجالس ترحیم گسترده‌ای در تهران، قم و سایر شهرستان‌ها برگزار شد و امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر اصلی گروه مخالف، طی سخنانی به مناسبت درگذشت فرزندشان، که در روز دهم آبان در نجف ایراد کردند، به اتحاد قشر روشنفکر و دانشگاهی با روحانیون تأکید کردند (احمدپور، ۱۳۸۹: ۲۱۲). به دنبال این سخنرانی، هزاران نوار از سخنرانی امام خمینی (ره) در داخل و اطراف مساجد، بازارها و مدارس علمیه توزیع و پخش شد تا بدین وسیله پیروان او را بسیج کرده و نیز پشتیبانی جدیدی را برای پیش مبارزه‌جویانه امام (ره) از اسلام مهیا کنند. این نمونه کاملی است از نحوه اطلاع‌رسانی و بسیج‌گری نوارهای صوتی که تا آن زمان کمتر بدان توجه شده بود و این بیشتر به خاطر فضای بسته

رهبران انقلابی اصرار زیادی بر استفاده از نوارها جهت انتقال پیام انقلاب به مردم داشتند.

بنا بر آنچه که گفته شد، نوارهای کاست ابزاری تازه بود که در جهت بسیج مردم در انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. نوارها حاوی روش‌ها و تاکتیک‌های مبارزاتی بودند و خط‌مشی انقلاب را آشکار می‌کردند و چون قادر بودند صدای امام (ره) را به مردم برسانند، مردم با شنیدن صدای رهبر انقلابی خود، انگیزه بیشتری برای ادامه راه پیدا می‌کردند. نوارهای کاست به‌عنوان ابزاری بسیار مؤثر در چینه‌کنش جمعی مردم ایران جای گرفتند.

۲. منبر

از مهم‌ترین رسانه‌های مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی منبر است. ارتباطی که میان وعاظ و مخاطبان از طریق منبر برقرار می‌شود، نوعی ارتباط سستی است. ارتباطات سستی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ارتباطات سستی به‌گونه‌ای از ارتباطات اطلاق می‌شود که بر پایه باورها، تاریخ، فرهنگ و عقاید عمومی جامعه شکل گرفته و در عین حال آن‌ها را ترویج و تقویت می‌کند» (فرقانی، ۱۳۸۷: ۷۴).

همراه مسجد به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، منبر به‌عنوان یک شیوه رفتار سیاسی و کنش اجتماعی همیشه مهم بوده است و آن را یک نظام تشکیلات یافته ارتباطی در اسلام نامیده‌اند. وعظ و خطابه از ابتدا با مسجد همراه بود. سخنرانی در مورد مسائل روز جامعه و البته صحبت درباره مسائل مذهبی و دینی رکن جدانشدنی منبر در تمام دوران انقلاب بوده است. در تاریخ معاصر ایران، از مشروطه به این سو، منبر همیشه نقش خاصی در رویدادهای مهم اجتماعی ایفا کرده است. استقلال نظام اقتصادی مساجد از حکومت‌ها سبب می‌شد، وعاظ با تکیه بر جهت‌گیری‌های سیاسی مراجع تقلید و روحانیون ذی‌نفوذ، رسانه منبر را از آفات قدرتمندان نگاه‌دارند (الوندی، ۱۳۸۹: ۶۶).

سانسور بود که مخالفان را مجبور می‌کرد بدان دست یازند.

موج بعدی انتشار نوارهای صوتی به دنبال چاپ مقاله توهین‌آمیز درباره امام خمینی (ره) و به دنبال آن سرکوب شدید اعتراضات گسترده‌ای که از سوی طلاب علوم دینی و سایر مردم صورت گرفت، آغاز گردید. خبر حوادث قم همان روز به نجف رسید و حضرت امام (ره) در یکی از شدیدالحن‌ترین پیام‌های خود پس از تبعید از کشور، رژیم پهلوی را به‌طور آشکار به مبارزه طلبید. پیام امام خمینی (ره) و نوار سخنرانی ایشان به مناسبت فاجعه قم به‌طور وسیعی در سراسر ایران تکثیر و توزیع شد و به دنبال آن دانشگاهیان و بازاریان در تهران و بعضی مراکز استان‌ها دست به اعتصاب عمومی و تظاهرات بر ضد رژیم زدند (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

به تعبیری نوارهای کاست یک منبر الکترونیکی بین‌المللی ایجاد کرده بودند. مردم ایران از نظر سلاح، تشکیلات یا قدرت فناورانه امکانات بسیار اندکی در اختیار داشتند. یکی از آن وسایل اندک که بسیار مؤثر هم واقع شد، نوار کاست بود. اعلامیه‌ها و بیانیه‌های امام خمینی (ره) به شکل گفتار و چاپی، با یک وسیله ساده در سراسر کشور پخش می‌شد و آن وسیله ساده نوار بود. پیام در پاریس ضبط می‌شد و سپس از طریق تلفن برای چند نفر که در تهران ضبط‌صوت‌هایی را به دستگاه تلفن وصل کرده بودند، پخش می‌گردید. آن اشخاص نیز به افراد دیگری که در استان‌های مختلف با ضبط‌صوت‌های آماده خود منتظر بودند، تلفن می‌کردند و به این ترتیب ظرف مدت اندکی پیام در سراسر کشور تکثیر و پخش می‌شد (الگار، ۱۳۶۰: ۱۳۵).

نحوه و مکان توزیع نوارهای کاست حاوی سخنرانی‌های امام خمینی (ره) متفاوت بود. در مراسم‌های مذهبی، تجمعات، اطراف دانشگاه‌ها، بازار و ... نوارها میان مردم پخش می‌گردید. امام خمینی (ره) و

سخنرانان در منابر با بیان مسائل سیاسی در کنار امور مذهبی، شیوه و استراتژی مبارزه را به مردم می‌آموختند و به بهترین شکل آن‌ها را بسیج می‌کردند.

نه‌تنها روحانیون بلکه شخصیت‌های غیرروحانی همچون دکتر شریعتی، مسجد را به‌عنوان کانون مبارزه ضد رژیم قرار داده بودند. با توجه به احترامی که مردم ایران برای روحانیت و جایگاه منبر قائل بودند و هستند، احساس کردند تنها رسانه‌ای که می‌توان از آن برای پیام‌رسانی استفاده کرد، منبر است؛ زیرا اولاً این رسانه تا حدود زیادی از نفوذ دستگاه حکومتی دور بود. ثانیاً اینکه جمع کردن توده مردم به‌خصوص متدینین در پای این رسانه آسان‌تر بود و ثالثاً این رسانه به دلیل جامعیت، گستردگی و پراکندگی جغرافیایی خود، از اهمیت زیادی به لحاظ تأثیرگذاری، برخوردار بود (جعفرپور و قزل‌ایاق، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۴).

برای مقابله با رسانه مؤثر منبر، رژیم پهلوی تا جایی که می‌توانست از طریق رسانه‌ها به تبلیغ ضد انقلابیون می‌پرداخت و با حربه‌های گوناگون سعی می‌کرد در پیام‌رسانی از طریق منابر خلل ایجاد کند. برای نیل بدین مقصود روحانیونی را ممنوع‌المنبر می‌کرد و یا برای وعظ و سخنرانان شرایطی را تعیین می‌کرد که آن‌ها در حین سخنرانی می‌بایست به شرایط پایبند باشند؛ اما روش دیگری که رژیم برای مقابله با تأثیرات منبر در پیش گرفت و شاهد نتیجه عکس آن بود، تبعید وعظ و سخنرانان به سایر شهرها بود.

در نتیجه این سیاست، شبکه پیام‌رسانی انقلاب اسلامی گسترده‌تر شد و پیام انقلاب از این طریق در شهرها و روستاهای مختلف پخش و انتشار یافت. افراد تبعیدشده، در بیشتر شهرها با حضور در مساجد و تکایا به مناسبت‌های مختلف به سخنرانی می‌پرداختند و پیام امام (ره) که همان پیام انقلاب بود را برای مردم بازگو می‌کردند؛ بنابراین تبعید وعظ باعث گسترش انقلاب به اقصی نقاط ایران شد.

منبر یکی از مؤثرترین رسانه‌های سنتی - مذهبی است که می‌تواند همانند رسانه‌ای جدی و مؤثر بر جریان‌ها و اتفاقات بزرگ تأثیر بگذارد. نمونه بسیار بارز آن در پیروزی انقلاب اسلامی بود که منبرها نقش رسانه اصلی انقلاب را ایفا کردند و تعداد زیادی از منابر یک شبکه ارتباطی گسترده را در کل کشور ایجاد کرده بودند که پیام‌های رهبران انقلاب و ایدئولوژی انقلاب را از طریق این شبکه منسجم منتشر می‌کردند. در واقع منبر به‌عنوان رسانه عمومی اسلام نقش شگفتی‌ساز و حماسی را در انقلاب رقم زد؛ زیرا که منبر تبدیل به رسانه‌ای برای روحانیون شده بود که از طریق آن، صدای انقلاب را به گوش مردم می‌رساندند.

با محور قرار گرفتن منبر به‌عنوان مهم‌ترین رسانه انقلاب، لازم بود که یک شبکه پیام‌رسانی بر مبنای منبر شکل گیرد. در رأس هرم ارتباطی این شبکه، مرجعیت و وعظ و توده مردم نیز در قاعده هرم ارتباطی حضور داشتند. روحانیون با استفاده از منبر نوعی شبکه ارتباطی ایجاد کردند که هم از لحاظ جغرافیایی کل ایران را پوشش می‌داد و هم از لحاظ غیردولتی کاملاً قابل اتکا بود. انقلابیون از طریق سخنرانی در منابر مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و بازارهای شهرهای مختلف، مردم را به انقلاب و حمایت از امام خمینی (ره) فرامی‌خواندند (جعفرپور و قزل‌ایاق، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۳).

بنابراین با توجه به گستردگی جغرافیایی منابر هم در شهرها و هم در روستاها و ایجاد ارتباط نزدیک و صمیمانه میان واعظان و مخاطبین به دلیل ارتباط چهره‌به‌چهره به‌خصوص در مراسم‌هایی مانند اعیاد و جشن‌های مذهبی و یا بزرگداشت شهادت‌ها و ایام سوگواری ائمه اطهار (ع)، منبر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای بسیج انقلابی تبدیل شد. قداست مسجد، منبر و روحانیت در میان مردم، سبب شد که منبر رقیبی قدرتمند در مقابل تبلیغات همه‌جانبه رژیم باشد و وعظ با سرعت زیاد با شنوندگان ارتباط برقرار کنند.

دی سال ۱۳۵۷ بی‌بی‌سی تبدیل به مهم‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی مخالفان در جهت بسیج توده‌ها گردید. سخنان ایشان که بیشتر از رادیو بی‌بی‌سی در ایران پخش می‌شد علاوه بر وقایع داخلی ایران و جریان انقلاب، مسائل مربوط به سیاست‌های آینده ایران پس از سرنگونی شاه را در برمی‌گرفت.

انتشار هر یک از پیام‌های امام خمینی (ره) از رادیو بی‌بی‌سی منشأ تحولات مثبتی در سطح جامعه می‌شد و میان مردم تحرک و هیجان برای ادامه مبارزه ایجاد می‌کرد. در مقابل این رویکرد بی‌بی‌سی، رژیم و شاه همواره از عملکرد این رادیو گله‌مند بودند و مراتب اعتراض خود را به دولت انگلیس اعلام می‌کردند. شاه در این رابطه به آنتونی پارسونز سفیر انگلیس در ایران شکایت کرد. پارسونز در پاسخ اظهار داشت بی‌بی‌سی یک فرستنده رادیویی مستقل است و از دولت دستور نمی‌گیرد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۲).

در نهایت می‌توان گفت عملکرد بی‌بی‌سی در جریان انقلاب به‌گونه‌ای دوپهلوی بود. نوع جهت‌گیری این رسانه مبتنی بر سیاست‌های دولت انگلیس بود. به همین جهت هم انقلابیون و هم رژیم پهلوی بی‌بی‌سی را متهم به همراهی با طرف مقابل می‌کردند؛ اما آنچه که مهم است این است که این رسانه در جریان انقلاب ایران خواسته یا ناخواسته به اطلاع‌رسانی و تسریع بسیج توده‌ای خدمت کرد و به‌عنوان ابزاری کارا وارد چینه کش جمعی ایرانیان شد.

۴. اعلامیه

نشر اعلامیه که در واقع برنامه عمل و اهداف انقلاب را تشریح می‌کند، در شرایط انقلابی یکی از مؤثرترین راه‌های بسیج مردم است. اعلامیه‌ها یکی از راه‌های ارتباطی رهبران و سازمان‌دهندگان انقلاب با مردم هستند. صادرکنندگان اعلامیه اغلب شخصیت‌های برجسته انقلابی و یا سازمان‌های انقلابی هستند. توزیع اعلامیه در مکان‌های مختلف و به شیوه‌های گوناگون

۳. رادیوهای بیگانه (غیر ایرانی)

یکی از رسانه‌ها در جریان انقلاب اسلامی، رادیو بیگانه به‌خصوص رادیوی بخش فارسی‌زبان بی‌بی‌سی بود. (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۴). همزمان با شروع حکومت نظامی دولت از هزاری، یک جریان تبلیغاتی مداوم و مستمر از برنامه رادیو بی‌بی‌سی روان شد که نقطه ارتباطی بین گروه‌های مبارز خارج از کشور و مردم ایران گردید. این در حالی بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که منجر به سقوط دولت مصدق گردید، رادیو بی‌بی‌سی تا سالین دراز از ستایشگران رژیم خودکامه شاه بود؛ اما از اواخر سال ۱۳۵۵ مقارن با زمامداری رئیس‌جمهور کارتر و اعلام فضای باز سیاسی از جانب شاه، لحن بی‌بی‌سی تغییر کرد و ابتدا با ملایمت و سپس با شدت بیشتری به انتقاد کارهای رژیم خودکامه پرداخت و در گفتارهای خود خواستار برقراری دموکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران شد و حتی پشتیبانی از حکومت ایران را اشتباهی بس بزرگ دانست (بهنود، ۱۳۶۶: ۱۶۲).

همزمان با مواضع دموکراتیک رادیو بی‌بی‌سی، با اوج‌گیری نهضت ضد شاهی و درحالی‌که مردم تشنه شنیدن خبرهای واقعی بودند و در زمانی که رادیو و تلویزیون داخلی از فضای باز سیاسی جزء دو سه برنامه رادیو-تلویزیونی تأثیر نپذیرفته بود، روزنامه‌ها زیر سانسور بودند و از همه مهم‌تر اعلام حکومت نظامی از هزاری جو بسته اطلاع‌رسانی را ایجاد کرده بود، ناگهان پخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی به مهم‌ترین منبع خبری تبدیل گردید. در همین ماه بود که خریداری رادیوهای موج کوتاه همگانی شد (احمدپور، ۱۳۸۹: ۲۰۲). عدم اعتماد مردم به رادیو-تلویزیون دولتی، هم یکی دیگر از دلایلی است که سبب شد بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی به مهم‌ترین منبع خبری مردم تبدیل گردد.

همان‌طور که گفته شد، با همگانی شدن رادیو و مهاجرت امام خمینی (ره) به پاریس، در ماه‌های آذر و

می‌آوردند و در این مجالس با روش‌های گوناگون دست به آگاه‌سازی و بسیج مردم می‌زدند.

اعلامیه جهت بیان حمایت و پشتیبانی: اعلامیه‌ها گاه در حمایت از فرد یا گروه‌های انقلابی صادر می‌گردیدند. از جمله اعلامیه‌ای که جمعی از روحانیون تهران در ۲۸ آذر ۵۷ به پشتیبانی از اعتصاب کارکنان صنعت نفت منتشر کردند و همین‌طور اعلامیه‌هایی که امام خمینی (ره) طی آن‌ها از مردم می‌خواستند که به اعتصابیونی که دچار مشکلات مالی شده‌اند، یاری رسانند.

اعلامیه جهت اعلام عزای عمومی: بعضی اعلامیه‌ها جهت اعلام عزای عمومی در واکنش به کشتار مردم و یا توهین به مقدسات و ... صادر می‌شدند؛ برای مثال، از اعلامیه‌ای می‌توان نام برد که آیت‌الله سید حسن طباطبایی قمی، صادر و روز ۵ آذر ۵۷ را عزای عمومی اعلام کردند. ایشان با انتشار اعلامیه‌ای جسارت عمال رژیم در حمله به زائران امام رضا (ع) در حرم ایشان را تسلیت گفته و ۵ آذر را در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کردند.

اعلامیه جهت اتمام حجت با ارتش و دعوت برای پیوستن به مردم: جمعی از فضیلابی حوزه علمیه قم با انتشار اعلامیه‌ای درباره کشتارهای رژیم در اول محرم ۵۷، ضمن اینکه مردم را به حضور هر چه بیشتر فراخواندند، هشدارهایی را هم به نظامیان دادند:

«اول محرم هر سال برای مردم ایران شب الم است؛ اما این بار به دست خونریز دولت غاصب نظامی، تهران عزیز، به یک ماتمکده بزرگ و حمام خون تبدیل شد... کسانی که در ارتش این مملکت تحت تأثیر عوام‌فریبانه دستگاه حاکمه به‌اشتباه افتاده‌اند، باید بدانند به روی چه کسانی آتش می‌کشایند و برای چه منظور خواهران و برادران خود را می‌کشند... ارتش ایران بداند ما هیچ‌گونه خصومتی با آنان نداریم و در صورت برگشت و پیوستن به صفوف ملت و مبارزان اسلامی،

صورت می‌گیرد. در جریان انقلاب اسلامی، اعلامیه‌ها به طرز بسیار مؤثری در بسیج مردم نقش داشتند. در سال‌هایی که روزنامه‌ها تحت کنترل و سانسور شدید رژیم پهلوی بودند و همچنین امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب در تبعید به سر می‌بردند، انتشار اعلامیه یکی از مؤثرترین راه‌های بسیج مردم بود.

پخش اعلامیه‌ها در مکان‌های مختلف و با روش‌های مختلف انجام می‌گرفت. انقلابیون گاه مجالس و مراسم مذهبی را جهت پخش اعلامیه‌ها انتخاب می‌کردند. در بعضی مواقع اعلامیه‌ها در خیابان‌ها و در میان راهپیمایان توزیع می‌شد و در مواقعی نیز اعلامیه‌ها را بر در و دیوار نصب می‌کردند. بعضی از اعلامیه‌ها هم در خیابان‌ها برای مردم خوانده می‌شدند؛ مانند پیام امام خمینی (ره) مبنی بر ترک سربازخانه‌ها که در مشهد از طریق بلندگوهای قوی به اطلاع مردم رسید.

محتوای اعلامیه‌ها یکسان نبود و مسائل مختلفی را در برمی‌گرفت. اعلامیه‌ها ممکن بود حاوی اعتراضات و علمای و رهبران به اقدامات رژیم پهلوی، حمایت و پشتیبانی از اقشار و گروه‌های مردمی، دعوت از مردم برای شرکت در مراسم و یا شامل دستورالعمل و تاکتیک مبارزه باشند. در ادامه به توضیح انواع مختلف اعلامیه‌هایی که در جریان انقلاب اسلامی صادر شدند، پرداخته می‌شود.

اعلامیه جهت دعوت از مردم برای شرکت در مراسم‌ها: استفاده از مراسم و مجالس مذهبی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت بی‌نظیری را برای رهبران انقلابی فراهم کرد تا به این طریق بتوانند به بسیج مردم بپردازند. مزیت چنین مجالس و مراسم‌هایی این بود که رژیم نمی‌توانست از شکل‌گیری آن‌ها به‌عنوان مراسم مذهبی جلوگیری به عمل آورد. لذا رهبران و سازمان‌دهندگان انقلابی با انتشار اعلامیه از مردم برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل

خوانده می‌شد و آن‌ها نیز با فریادهای خود مفاد قطعنامه را تأیید می‌کردند.

۵. مطبوعات

مطبوعات در اواخر دوران نخست‌وزیری هویدا به‌طور کلی وابسته به رژیم شاه بودند و نشریه‌ای که بریده از وابستگی رژیم می‌باشد، باقی نمانده بود. پس از آنکه انقلاب اسلامی رفته‌رفته حضور خود را در جامعه به نمایش گذاشت (شروع دوران شریف‌امامی)، اشخاص بسیاری که در سال‌های گذشته نتوانسته بودند وارد صحنه سیاست شوند، تقاضای انتشار نشریه کردند و این جریان تا زمان حکومت نظامی ازهارى، یعنی ۱۵ آبان ۵۷ ادامه یافت. به دلیل مشخص نبودن سیاست کلی و تنظیم‌ناشدگی روابط این دوران، تعدادی از مطبوعات به نوشتن گوشه‌هایی از واقعیات متناهی در خط و ربط آمریکا و پروبال دادن به ملی‌گراها، نیروهای چپ و هواداران حکومت دموکراتیک پرداختند. تا زمانی که اعتصاب مطبوعات پیش آمد و بعد از شکسته شدن آن، مطبوعات از مقام والایی نزد مردم برخوردار شدند (بی‌نا، ۱۳۶۱: ۱۰-۹).

با توجه به مطالب ذکر شده، به‌طور کلی می‌توان مطبوعات قبل از انقلاب را به سه دوره تقسیم کرد:

۱. دوره اول دوره‌ای است که رسانه‌ها زیر سیطره کامل رژیم قرار داشته و تنها اخبار مربوط به شاه را با تحریف و بزرگنمایی تحت شعاع قرار می‌دادند. در این دوره سانسور کامل وجود داشت.

۲. دوره دوم که تا پایان نخست‌وزیری شریف‌امامی ادامه داشته است و بعضی از مطبوعات به انتشار اخبار و ترویج ایدئولوژی انقلاب قدم برداشته و گروه‌های چپ و ملی نیز در راستای اهداف خود از مطبوعات استفاده می‌کردند.

۳. دوره سوم، دوره همراهی با امام (ره) و نهضت اسلامی انقلاب است که با پایان یافتن اعتصاب

مقدم آنان را همچون حر گرامی می‌داریم ...» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴: ۳/ ۴۶۵-۴۶۲).

اعلامیه جهت افشای جنایات رژیم در شهرهای مختلف: تعدادی از اعلامیه‌ها به منظور اطلاع‌رسانی و افشای جنایات رژیم پهلوی در گوشه و کنار کشور صادر می‌گردید. تا بدین وسیله خشم مردم را بیشتر برانگیخته و آن‌ها را برای ادامه راه مصمم‌تر کند. مردم هنگامی که از جنایات رژیم نسبت به هموطنانشان در شهرهای مختلف آگاه می‌شدند، با انگیزه خونخواهی و جلوگیری از پیمان شدن خون آن‌ها در ادامه مبارزه ضد رژیم مصمم‌تر می‌شدند.

اعلامیه جهت نشان دادن روش مبارزاتی: هدف از صدور تعدادی از اعلامیه‌ها نشان دادن روش مبارزه به انقلابیون بود. صادرکنندگان با توجه به نظام فکری‌شان و با در نظر گرفتن شرایط موجود جامعه، با صدور اعلامیه‌هایی روش‌های مبارزاتی به انقلابیون پیشنهاد می‌کردند. روش مبارزه مورد نظر امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب و همفکران ایشان، مبارزه منفی با تأکید بر عدم خشونت بود؛ بنابراین اعلامیه‌های صادره از طرف ایشان بر روش‌هایی همچون تظاهرات، اعتصاب، پرداخت نکردن مالیات و ... تأکید داشتند؛ اما گروه‌هایی همچون مجاهدین خلق، راه‌های دیگری مانند مبارزه مسلحانه و سایر روش‌های خشونت‌آمیز را پیشنهاد می‌کردند.

اعلامیه جهت بیان اعتراض به اعمال رژیم: اگرچه رهبران انقلابی از اعلامیه‌ها برای بسیج مردم بهره می‌گرفتند اما برای بیان اعتراض خود نسبت به اعمال رژیم نیز دست به انتشار اعلامیه می‌زدند. باین حال اعلامیه‌های اعتراضی هم مردم را به حرکت و جنب‌وجوش وامی‌داشت.

صدور قطعنامه: در پایان راهپیمایی‌های بزرگ، اعلامیه‌هایی با عنوان قطعنامه قرائت می‌شد که بر ادامه مبارزات تا رسیدن به پیروزی تأکید می‌کردند. این اعلامیه‌ها از طریق بلندگو برای حضار و راهپیمایان

سراسری آغاز گردید (نواختی مقدم و میرزائزاد، ۱۳۹۲: ۲۰۸).

مطبوعات پس از شکستن اعتصاب در دی ماه ۵۷ توانستند نقش بسزایی در پیروزی انقلاب ایفا کنند. آن‌ها اخبار و اطلاعات انقلاب و امام خمینی (ره) را انتشار داده و بسیج مردم را رقم می‌زدند؛ برای مثال، در ۱۸ دی ماه روزنامه کیهان، نامه‌ای از زندانیان سیاسی کرمانشاه منتشر کرد. آن‌ها در این نامه از آزار و اذیت زندانیان سخن گفته و تهدید به اعتصاب غذا کرده بودند. مردم وقتی در جریان وقایع از طریق روزنامه‌ها قرار می‌گرفتند، دست به عمل و حمایت از سایر انقلابیون می‌زدند. ذکر تعدادی از عناوین روزنامه‌های سال ۵۷ که پس از شکستن اعتصاب توسط مطبوعات به کار برده شدند، خود تصویری گویا از نقش بسیج‌گری مطبوعات در روزهای پایانی حکومت پهلوی به نمایش می‌گذارد. چاپ عنوان «امام آمد» و در مقابل، «شاه رفت» با درشت‌ترین حروف چاپی در صفحه اول روزنامه‌ها موجی از هیجان را میان مردم آفرید. همچنین چاپ عناوینی چون «نماز جمعه با امام خمینی (ره) در تهران» و یا «منزل امام در قم آماده می‌شود» و ... مردمی را که بی‌صبرانه انتظار ورود امامشان را می‌کشیدند به صحنه می‌آورد.

۶. سخنرانی

اطلاع‌رسانی در مورد ناتوانایی‌های رژیم حاضر و ترسیم جامعه آرمانی پس از انقلاب، بیشترین حجم گفتار سخنرانان را در شرایط انقلابی تشکیل می‌دهد. در سخنرانی‌ها ارتباطات به صورت چهره به چهره است و فرد سخنران به علت نفوذی که دارد، برای عده‌ای به سخنرانی و تبلیغ می‌پردازد. سخنرانان انقلابی سعی می‌کنند در مردم شور و هیجان به وجود آورده و آن‌ها را برای ادامه راهی که تا پیروزی در پیش دارند، امیدوار سازند. محتوای اظهارات سخنرانان در این شرایط،

قدرت رو به افول رژیم حاکم و سرنگونی زود هنگام آن توسط انقلابیون است و همواره پیروزی نزدیک است.

با توجه به جایگاه وعظ و خطابه، در اسلام و پیوند ناگسستنی ایرانیان با مذهب، از دیرباز مجالس سخنرانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرین اجتماعات دینی در جامعه ایرانی فعال بوده‌اند. این فعالیت در دوران‌ها و مقاطع مختلف به تناسب اقتضات و شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر زمان، کارکردهای مختلفی را افزون بر کارکرد دینی شامل می‌شده است. سخنرانان معمولاً طلبه‌ها و روحانیون تحصیل کرده در حوزه‌های علمیه داخل و خارج از کشور بودند و در کنار بیان مسائل دینی و مذهبی، مسائل سیاسی را نیز عنوان می‌کردند. با وجود این نباید از سخنرانی‌های بسیار مؤثر شخصیت‌های غیرروحانی نیز غافل بود؛ برای مثال، دکتر علی شریعتی به‌عنوان شخصیتی غیرروحانی و روشنفکر با سخنرانی‌های بسیج‌گر خود نقش بسیار مؤثری در برانگیختن اقشار مختلف به‌خصوص جوانان ایفا کرد.

سخنرانی‌ها معمولاً در مساجد و مجالس مذهبی انجام می‌شدند و سخنرانان نهایت استفاده را از فرصت به‌دست‌آمده برای بسیج مردم، به عمل می‌آوردند. سخنرانی‌هایی که در مجالس عزاداری حاج آقا مصطفی خمینی (ره) فرزند ارشد امام خمینی (ره) انجام شد، نمونه بسیار خوبی از سخنرانی‌های بسیج‌کننده را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. سخنرانان در این مجالس، جو به‌وجودآمده بعد از فوت حاج آقا مصطفی (ره) را که سبب احیای مجدد نام امام خمینی (ره) در میان مردم شد، مستمسک خود قرار داده و مردم را به مبارزه ضد رژیم فرامی‌خواندند.

گفته شد که سخنرانی و وعظ و خطابه به دلیل پیوند ایرانیان با مذهب همواره دارای جایگاه خاصی در میان مردم مسلمان ایران بوده است. در جریان پیروزی انقلاب اسلامی سخنرانی‌ها از مهم‌ترین ابزار بسیج به شمار می‌رفتند. حجم سخنرانی‌های انجام‌شده در سال

سردادن شعارهایی که حاوی درخواست پیوستن به مردم بود، می‌توان نام برد. خبرگزاری فرانسه، در شرح واقعه گل دادن مردم به سربازان، عنوان «میخک سرخ در لوله تفنگ» را برگزید و نوشت زنان و دختران درحالی‌که هزاران شاخه گل را در هوا تکان می‌دادند، آن‌ها را بر سر و روی سربازان ریختند. تظاهرکنندگان خود را به سربازان رساندند و ده‌ها شاخه گل را به لباس سربازان و حتی لوله مسلسل‌ها و تفنگ‌ها می‌آویختند (کیهان، ۲۴/۱۰/۵۷: ۸). انقلابیون همچنین حلقه‌های گل را بر گردن سربازان می‌انداختند.

از جمله شعارهای بسیج‌کننده‌ای که انقلابیون سر می‌دادند تا ارتشیان را به جبهه خود درآورند، این موارد را می‌توان نام برد: «ارتش برادر ماست- ایران کشور ماست»، «به دستور خمینی (ره)، سرباز برادر ماست»، «ارتش تو بی‌گناهی، آلت دست شاهی»، «به کوری چشم شاه، ارتش برادر ماست»، «برادر ارتشی! من به تو گل می‌دهم؛ چرا مرا می‌کشی» ... (بزرگمهر، ۱۳۵۸: ۶-۴).

عملیات جذب و بسیج ارتشیان تنها با رفتارهای دوستانه و محبت‌آمیز صورت نمی‌گرفت. در مواردی انقلابیون سعی می‌کردند با اعمال فشار به سربازان و با نوعی پس‌زدگی ارتشیان را وارد جمع انقلابیون کنند. پزشکان و بیمارستان‌ها از پذیرفتن کارکنان نیروهای مسلح و خانواده‌هایشان خودداری می‌کردند و داروخانه‌ها هم از فروش دارو به آن‌ها امتناع می‌کردند. غالب مغازه‌ها و فروشندگان مواد غذایی نیز از فروش اجناس به کارکنان ارتش خودداری می‌کردند (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۱۰۵).

انقلابیون همچنین با شعارهایی که حاوی گله‌مندی از ارتش به خاطر نپیوستن به مردم بود، سربازان را برای اعلام همبستگی تحت فشار قرار می‌دادند: «ارتش به این بی‌غیرتی، هرگز ندیده ملتی» (بزرگمهر، ۱۳۵۸: ۱۳).

۵۶ و ۵۷ بسیار زیاد است و این مسئله خود انتخاب نمونه‌ای از سخنرانی‌های بسیج‌کننده را بسیار مشکل می‌سازد. در اینجا تنها به ذکر یک نمونه از سخنرانی‌های حرکت‌آفرین و بسیج‌کننده اکتفا می‌شود؛ زیرا امکان پرداختن به همه آن‌ها وجود ندارد. علت انتخاب این سخنرانی، توانایی آن در برانگیختن بی‌درنگ مردم است. این سخنرانی در یزد و در مراسمی که به مناسبت چهل‌م شهدای تبریز برگزار گردیده بود، ایراد شد.

«مگر مردم تبریز چه می‌خواستند که جوابشان را با گلوله داغ دادند. مردم تبریز مگر چه مالی را از کسی طلب کردند که بایستی با مسلسل این‌ها را درو کنند؟ مگر چه می‌خواستند؟ این‌ها آزادی می‌خواهند، این‌ها اجرای قوانین دینی‌شان را که در قانون اساسی راجع به آن صحبت شده می‌خواهند. ما همان می‌خواهیم که مردم تبریز می‌خواستند. ما همان می‌خواهیم که مردم قم می‌خواهند. ما همان می‌خواهیم که مرجع آگاه و پرینش ما حضرت آیت‌الله العظمی خمینی (ره) می‌خواهد».

هنگامی که سخنران خواسته‌ها را مطرح می‌کرد، حضار با تکرار عبارت صحیح است برای سه بار سخنان وی را تأیید می‌کردند. بعد از سخنرانی مردم هیجان‌زده به خیابان‌ها ریختند و با قوای نظامی درگیر شدند (باقی، ۱۳۷۳: ۲۷۶).

۷. اعلام حمایت و یا اعمال فشار

انقلابیون با بهره‌گیری از دستورات امام خمینی (ره) سعی داشتند ارتش و نیروهای مسلح را جذب کرده و وارد صف انقلابیون کنند. بدین منظور از هر روشی استفاده می‌کردند. گاه با مهربانی و ابراز احساسات نسبت به سربازان و گاه هم کاربرد روش‌های قهرآمیز تلاش می‌کردند این قشر را هم وارد جمع انقلابیون کنند.

در مورد روش‌های جذب سربازان همراه با ملایمت و مهربانی از مواردی همچون گل‌باران کردن، بوسیدن و

۸ اسطوره‌سازی

یکی از مسائل بسیار مهم و سؤال‌برانگیز انقلاب اسلامی ایران، مسئله رهبری امام خمینی (ره) بود. اینکه چگونه امام خمینی (ره) توانست مردم را در یک جنبش کاریزمایی بسیج کند؟ در نظریه همانندسازی اسطوره‌ای، نفوذ رهبر بر توده‌های مردمی نتیجه همانندسازی او با برخی از اسطوره‌های فرهنگی و تجسم ارزش‌های آن‌ها در شخصیت و رفتار و پیام اوست. در نتیجه این همانندسازی، مردم ارزش‌ها و عواطفی را که نسبت به اسطوره‌ها دارند، به رهبر معاصر نیز انتقال می‌دهند.

در مورد انقلاب اسلامی ایران، اسطوره اساسی در فرهنگ شیعی، امام است و در میان ائمه حضرت علی (ع)، امام حسین (ع) و امام مهدی (عج) از امامانی هستند که بیشترین حضور را در فرهنگ و ادبیات مذهبی توده مردم دارند. در سال‌های ۵۶ و ۵۷ و در جریان انقلاب موارد متعددی از فرآیند همانندسازی شخصیت‌ها و رخدادهای معاصر با این اسطوره‌های فرهنگی در سخنان و پیام‌های امام خمینی (ره) و دیگر سخنرانان انقلابی دیده می‌شود. حاصل این فرآیند همانندسازی این بود که مردم یک سلسله خصلت‌های ائمه را به امام خمینی (ره) انتقال دادند و در نتیجه این انتقال و جان‌سپاری یا به عبارتی اسطوره‌سازی توانست مردم مذهبی و ارادتمندان ائمه را بسیج کند (مؤسسه چاپ و نشر آثار امام (ره)، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۱۶-۴۱۵).

مردم با توجه به علائق مذهبی خویش و با توجه به نشانه‌ها و صفاتی وجودی حضرت امام (ره) همچون سازش‌ناپذیری، مردم‌داری، شجاعت و... شخصیت امامان معصوم (ع) را در شخصیت و منش امام خمینی (ره) می‌دیدند. لذا برای ایشان تقدس قائل شده و خود را ملزم به پذیرش سخنان ایشان می‌کردند؛ بنابراین به فرامین و رهنمودهای امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم

مبارزه با رژیم پهلوی تا سرنگونی آن گوش فراداده و بسیج می‌شدند.

همان‌طور که گفته شد، لفظ امام برای شیعیان تقدس بسیار دارد و مهم‌ترین اسطوره‌های شیعه، امامان هستند. در یکی از سخنرانی‌های انجام‌شده در بحبوحه انقلاب توسط حجت‌الاسلام روحانی، وی از لقب امام برای رهبر انقلاب استفاده کرد و این‌گونه آیت‌الله خمینی (ره) را به اسطوره‌ای تبدیل کرد که امر و خواسته‌اش برای مردم مطاع است. وی در ابتدا رهبر انقلاب را با حضرت ابراهیم مقایسه می‌کند و می‌گوید:

«ای ابراهیم عزیز! همه امتحانات سخت و بزرگ برای تو پیش آمد؛ اما آخرین امتحان را هم باید بگذرانی؛ که آن امتحان بزرگ مربوط به اسماعیل عزیزت است. آنگاه که همه امتحانات را پشت سر گذاشتی، به مقام والای امامت می‌رسی ... لذا من یک لقب برای مرجع بزرگ و رهبر عظیم‌الشأن، آن ابراهیم زمان می‌پسندم و آن لقب امام است؛ بنابراین امام خمینی (ره)» (روحانی، ۱۳۷۶: ۳۸۸).

بنابراین اسطوره‌سازی شیوه‌ای بود که توانست مردمی را که از گذشته همواره محب و دوستدار اهل بیت (ع) بوده‌اند را با تجسم شخصیت ائمه در وجود امام خمینی (ره) و وجوب پذیرش فرمان مبارزه ایشان بسیج کند.

ابزارها و شیوه‌های اعتراض در انقلاب اسلامی ایران

نیروهای اجتماعی در نظام‌های سیاسی گوناگون، شیوه‌های رفتار گوناگونی از خود نشان می‌دهند. این گوناگونی و تنوع ناشی از عوامل مختلفی همچون فرهنگ جامعه، میزان سازمان‌یافتگی نیروها، شیوه توزیع قدرت و ... هستند. به‌ویژه فرهنگ سیاسی هر جامعه، در انتخاب نوع وسایل متناسب برای تعقیب اهداف موردنظر تعیین‌کننده است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۱۲)؛ بنابراین در جوامع مختلف ابزارها و شیوه‌های اعتراضی مختلفی توسط مردم آن جامعه به کار گرفته می‌شود. این

بدین ترتیب بود که تظاهرات و راهپیمایی‌هایی در اعتراض به اقدامات رژیم پهلوی در چند مرحله به صورت گسترده و عظیم در سراسر کشور آغاز گردید. این شیوه مبارزه در این مرحله از تاریخ ایران توانست به صورت شکل استاندارد، برای بیان خواسته‌های عمومی مردم ایران درآید. اگرچه در تاریخ جنبش‌های اجتماعی ایران، این شیوه اعتراض همواره وجود داشته است، اما هیچ‌گاه به این شدت و گستره که در جریان انقلاب اسلامی برگزار شدند، مشاهده نشده است.

بنا به ادعای ارتشبد قره‌باغی در ماه‌های منتهی به انقلاب از تابستان ۵۷ به بعد نه تنها از تمامی اقشار مردم در تظاهرات ضد رژیم پهلوی شرکت می‌کردند بلکه به تدریج عده‌ای از مقامات دولتی و حتی بعضی از فرمانداران هم در آن‌ها شرکت می‌کردند و با اهالی شهرها در میدان‌ها نماز جماعت برگزار می‌کردند (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۳۵).

ارائه آماری از تعداد راهپیمایی‌های انجام گرفته در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی می‌تواند تصویری کلی از یک شیوه اعتراضی متداول در انقلاب ۵۷ را به نمایش بگذارد. البته این آمار به هیچ‌وجه دقیق نیست و هدف، بیان تعداد دقیق راهپیمایی‌ها نبوده است بلکه در این پژوهش با ارائه این آمار سعی شده است میزان اقبال عمومی از این شیوه اعتراضی در انقلاب اسلامی به تصویر کشیده شود. در این آمار تعداد شهرهایی که به صورت روزانه در هر ماه شاهد برگزاری راهپیمایی بودند، لحاظ شده است و اگر در یک روز در شهری چند راهپیمایی به صورت جداگانه صورت گرفته باشد، تنها یکی از آن‌ها مورد شمارش واقع شده است. لازم به ذکر است که ممکن است بسیاری از شهرهای کوچک‌تر هم شاهد برگزاری راهپیمایی‌هایی بوده باشند اما در اسناد به‌جامانده از سال‌های ۵۶ و ۵۷ ثبت نشده باشند. با توجه به مطالبی که ذکر شد، هیچ ادعایی در مورد دقیق بودن این آمار وجود ندارد.

ابزارها و شیوه‌ها ممکن است خشونت‌آمیز و یا غیرخشونت‌آمیز باشد که این مسئله خود به پیشینه و فرهنگ جامعه موردنظر برمی‌گردد. در ادامه ابزارها و شیوه‌های اعتراض در انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. تظاهرات و راهپیمایی

برگزاری تظاهرات و انجام راهپیمایی‌های آرام و گاهی خشونت‌بار یکی از شکل‌های غالب و رایج مبارزه در طول انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. مخالفان عمدتاً از آغاز اعلام فضای باز سیاسی تا پیروزی انقلاب اسلامی از شیوه مزبور به صورت یک مبارزه مستمر و مداوم در جهت به چالش کشیدن رژیم پهلوی بهره می‌گرفتند. باین حال در انقلاب اسلامی، مبارزه به شیوه تظاهرات و راهپیمایی آرام برای نخستین بار در اواخر آبان ماه ۱۳۵۶ توسط دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر) صورت گرفت. بدین ترتیب که در روز ۲۵ آبان پس از برگزاری چهار جلسه شب شعر آرام کانون نویسندگان در دانشگاه صنعتی شریف، پلیس کوشید تا جلسه را که حدود ۱۰۰۰۰ نفر دانشجوی در آن شرکت داشتند، برهم بزند که با واکنش شدید دانشجویان و شرکت‌کنندگان مواجه شد. همین‌طور بود که به دنبال این اقدام، ناگهان جمعیتی خشمگین محوطه دانشگاه را ترک کردند و شعارهای تندی را ضد رژیم سر دادند. در نتیجه زدوخورد پلیس و تظاهرکنندگان، حدود ۱۷۵ تن زخمی و تعدادی نیز دستگیر شدند (باقی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). اگرچه پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دانشگاه‌ها آرام نبودند و به‌خصوص در ۱۷ آذر هر سال به یاد سه دانشجویی که در همین روز در دانشگاه تهران کشته شدند، تظاهراتی برپا می‌شد، ولی این نخستین باری بود که یک گروه از دانشجویان جرئت می‌کردند محوطه دانشگاه را ترک کنند و در مخالفت با رژیم به تظاهرات خیابانی بپردازند (بهنود، ۱۳۷۷: ۷۵۱).

بر طبق اطلاعات ارائه شده در روزشمار انقلاب اسلامی که توسط سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده است، از ابتدای تیرماه ۵۷ تا ۲۶ دی همان سال، تعداد ۱۲۸۸ تظاهرات در کشور برگزار شده است. از این تعداد راهپیمایی ۸ مورد در تیرماه، ۴۷ مورد در مرداد، ۱۳۸ مورد در شهریور، ۱۴۴ مورد در ماه مهر، ۲۸۳ مورد در آبان، ۲۱۷ مورد در آذر و ۴۵۱ مورد در دی ماه ثبت شده است. با توجه به این آمار در ماه‌های پایانی رژیم پهلوی و در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی راهپیمایی‌ها شکل غالب اعتراضات مردمی را تشکیل می‌دادند و هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شد.

راهپیمایی‌ها گاه به صورت آرام و در مواقعی هم همراه با خشونت و تخریب برگزار می‌شدند. راهپیمایان معمولاً در خیابان‌های شهرها اقدام به راهپیمایی می‌کردند؛ اما در مواردی هم راهپیمایی در مکان‌های خاصی همچون محیط دبیرستان‌ها، محوطه دانشگاه‌ها، حرم امامزادگانی مانند شاه عبدالعظیم و همین‌طور در صحن‌های حرم امام رضا (ع) و مکان‌های دیگری برگزار می‌گردید. در مواردی راهپیمایان اقدام به پوشیدن کفن و یا لباس سیاه می‌کردند. در تعدادی از راهپیمایی‌ها اقشار مختلف با لباس‌های مخصوص خود در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردند؛ برای مثال، پزشکان و پرستاران با روپوش‌های سفید و دانش‌آموزان با روپوش‌های یک‌دست مدرسه جلوه‌ای خاص به تظاهرات می‌بخشیدند.

راهپیمایی‌ها از نظر زمانی معمولاً در سالگرد وقایع مهم و یا در واکنش به اقدامات رژیم برگزار می‌شدند. البته در روزهای پایانی منتهی به انقلاب تقریباً هر روز مردم اقدام به برگزاری تظاهرات می‌کردند. مردم گاه با دعوت احزاب، گروه‌ها، علما و مراجع اقدام به برگزاری راهپیمایی می‌کردند اما در بسیاری از موارد هم راهپیمایی‌ها کاملاً خودجوش بود. بعضی اوقات استقبال از زندانیان سیاسی آزاد شده به تظاهرات می‌انجامید، در

مواردی مراسم تشییع‌جنازه و مجالس ترحیم جنبه اعتراضی پیدا کرده و به تظاهرات ختم می‌شد و گاهی هم پس از برگزاری نمازهای جماعت و دعای ندبه مردم در خیابان‌ها راهپیمایی می‌کردند و شعار می‌دادند. نقطه شروع راهپیمایی‌ها معمولاً مساجد، بازار و از جلوی منازل مراجع و علما بود.

در مورد ترکیب شرکت‌کنندگان یا چهره انسانی تظاهرات، بیش از هر چیزی اختلاط یا ائتلاف افراد افکار و یکپارچگی ملت را نشان می‌داد. اکثریت، با افراد متوسط شهری مخصوصاً جوانان دانشجوی و دانش‌آموز بود. ضمن آنکه بازاری و کاسب کم نبودند و اداری زیاد بودند. کارگرا و کشاورزهایی که حضور داشتند، بدون تمایز و تشکل در لابه‌لای جمعیت و جزء بسیار اقلیتی از دیگران دیده می‌شدند که البته در شهرستان‌ها تعداد آن‌ها بیشتر بود. طلبه و معمم نیز پیدا می‌شدند ولی به نسبت کمتر از آنچه در جامعه هستند. از میان خانم‌ها غالباً جوان‌ترها شرکت داشتند و در صفوف به هم پیوسته به چشم می‌خوردند. بدون آنکه انحصار با باحجاب‌ها و چادر به سرها باشد. روسری به سر یا حتی بدون حجاب که با شوق تمام می‌آمدند. روی هم‌رفته راهپیمایی‌ها قیافه‌ای کاملاً طبیعی داشت و حکایت از تشکیلات حزبی و گروهی نمی‌کرد. اقلیت‌های دینی نیز با شعارهای مشخص خودشان، مشارکت می‌کردند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۳۹).

همان‌طور که پیش‌ازین گفته شد، تعداد تظاهرات و راهپیمایی‌ها در جریان انقلاب اسلامی ایران بسیار زیاد بود. لذا پرداختن به همه آن‌ها امکان‌پذیر نیست. در اینجا اشاره کوتاهی به مهم‌ترین راهپیمایی‌های انجام شده در جریان پیروزی انقلاب اسلامی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین وقایع انقلاب اسلامی ایران که در واقع از نظر بسیاری از محققان نقطه شروع انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، تظاهرات ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ در قم است. به دنبال انتشار مقاله توهین‌آمیز روزنامه

در اربعین حسینی نیز راهپیمایی با عظمت و باشکوهی برگزار گردید و در قطعنامه پایانی آن، مردم خواستار برقراری جمهوری اسلامی، تشکیل شورای انقلاب از طرف امام خمینی (ره) و ادامه تظاهرات تا پیروزی کامل شدند (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۲۹۵).

بنا بر آنچه که گفته شد، راهپیمایی شیوه اعتراضی است که در ذات خود فاقد خشونت است. این شیوه اعتراضی در جریان انقلاب اسلامی بسیار مورد استفاده انقلابیون واقع شد و توانست در سرنگونی رژیم پهلوی مؤثر واقع شود.

۲. اعتصاب

اعتصاب به معنی دست از کار کشیدن گروهی از کارمندان یا کارگران به منظور اعتراض یا رسیدن به هدفی خاص است. اهداف اعتصاب ممکن است افزایش دستمزد، کاهش ساعت کار و یا هر درخواست دیگری باشد و لزوماً مربوط به شرایط انقلابی نیست. اعتصاب‌ها تا زمانی که تنها برای اهداف اقتصادی صورت می‌گیرند، قابل کنترل‌اند؛ اما هنگامی که اعتصاب‌کنندگان خواسته‌های سیاسی دارند، ممکن است موجودیت نظام را به خطر اندازند.

در جریان انقلاب اسلامی ایران اعتصابات زیادی به وقوع پیوست. اعتصابات اهرم مکمل مهمی در اعمال فشار بر رژیم شاه به شمار می‌رفتند. اولین گروهی که در جریان انقلاب اسلامی اعتصاب کردند، آموزش‌وپرورش‌ها بودند. آن‌ها ابتدا با عنوان کردن درخواست‌های رفاهی و استخدامی و سپس با افزودن اعتراض‌های اجتماعی-سیاسی، اعتصاب به راه انداختند. به‌زودی از طرف دانشجویان بعضی از دانشگاه‌ها خواسته‌های سیاسی با تهدید به تعطیل کلاس‌ها اعلام گردید (بازرگان، ۱۳۶۳: ۴۵). از مهر تا ۱۲ بهمن ۵۷ اعتصابات سراسری، تمام ارکان کشور را در بر گرفت و کلیه اقشار ملت مسلمان ایران، درخواست خود را برای سرنگونی رژیم شاه و تشکیل حکومت

اطلاعات به امام خمینی (ره) مردم به شدت خشمگین شده و به خیابان‌ها ریختند. شورش‌ها که ابتدا در عکس‌العمل به توهین دستگاه حکومتی به زعیم عالی‌قدر زمانه، صورت گرفته بود، تبدیل به تظاهرات عظیمی گشت و کشته شدن تعدادی از معترضین به دست عمال رژیم و به دنبال آن برگزاری پیایی چهل‌ها بعد از این واقعه نگذاشت که آتش انقلاب فرونشیند. تظاهرات عظیم بعدی مربوط به شهر تبریز است که در تاریخ ۲۹ بهمن ۵۶ به مناسبت چهل‌شهادی قم، صحنه برگزاری تظاهرات بود. نیروهای رژیم به راهپیمایان حمله کرده و تعدادی را به شهادت رساندند. مراسم چهل‌شهادی تبریز، عامل شکل‌گیری تظاهرات دیگری در شهرهای مختلف کشور گردید.

راهپیمایی عید فطر ۵۷ یکی دیگر از راهپیمایی‌های عظیم صورت گرفته در جریان انقلاب اسلامی بود. نمازگزاران پس از برگزاری نماز عید فطر به راهپیمایی پرداخته و برای برگزاری راهپیمایی دیگری در روز ۱۷ شهریور برنامه‌ریزی کردند. مردم طبق قرار قبلی در ۱۷ شهریور تظاهرات عظیم دیگری به راه انداختند اما هدف تیراندازی مأموران رژیم قرار گرفته و تعدادی به شهادت رسیدند. این روز در تاریخ معاصر ایران به جمعه سیاه شهرت یافت.

اما راهپیمایی‌های عظیمی که ضربه نهایی را بر پیکر رژیم پهلوی وارد آوردند راهپیمایی‌های میلیونی تاسوعا و عاشورای حسینی بود. یک ماه از عمر دولت نظامی ازهاری سپری شده بود که ماه محرم فرارسید و دولت پس از چندین جلسه بحث و گفتگو به این نتیجه رسید که این تظاهرات را در این دو روز آزاد اعلام کند. این به دلیل ترسی بود که از جمعیت چند میلیون نفری در تهران داشتند و هیچ نیرویی قادر به کنترل آن نبود (بهشتی سرشت، ۱۳۹۱: ۳۴۴). روزنامه کیهان از راهپیمایی این دو روز با عنوان باشکوه‌ترین فراندوم تاریخ معاصر ایران نام برد (کیهان، ۵۷/۱۰/۲۷: ۱).

اسلامی در قالب درخواست‌های اعتصابیون مطرح می‌کردند.

بعد از واقعه ۱۷ شهریور، اعتصاب‌های عمومی از دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها بالاتر رفت و صنایع نفت، بازار، کارخانه‌های دولتی و خصوصی، بانک‌ها، راه‌آهن، تأسیسات بندرها و ادارات دولتی را نیز در بر گرفت. بدین ترتیب، سراسر کشور از جمله سازمان برنامه و بودجه، گل سرسبد دولت مرکزی وارد اعتصاب شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

اما اعتصاب کارکنان شرکت نفت ایران نقطه عطف انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. تا قبل از اعتصاب کارکنان شرکت نفت، ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان، با تولید روزانه شش میلیون بشکه نفت بود. اعتصاب کارکنان شرکت نفت زیربنای اقتصادی حکومت را از بین برد. این اعتصاب در آغاز فصل زمستان که بیشترین تقاضا برای نفت خام وجود دارد به وقوع پیوست. بحران نفتی ایجاد شده نه تنها بر ایران بلکه بر سایر کشورهای جهان تأثیرگذار بود. تأثیر این اعتصاب در جهان صنعتی به حدی بود که وزیر وقت انرژی ایالات متحده اعلام کرد که با تداوم این شرایط، چاره‌ای جز جیره‌بندی انرژی در آمریکا وجود نخواهد داشت (تائب، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

اگرچه اعتصاب در صنعت نفت به دلیل نقش حیاتی آن در اقتصاد کشور مهم‌ترین و مؤثرترین اعتصاب صورت گرفته در جریان انقلاب اسلامی بود، اما همین‌طور که پیش‌ازین هم بیان شد در ادارات و اصناف مختلف اعتصاب به وقوع پیوست و توانست به پیشبرد انقلاب کمک کند. با نزدیک شدن به روزهای پیروزی انقلاب، تعداد اعتصابیون روزبه‌روز بیشتر می‌شد و ادارات و سازمان‌های بیشتری را در برمی‌گرفت. کم‌کم کارکنان بسیاری از نهادهای دولتی به اعتصابیون پیوسته و رژیم را با مشکلی لاینحل مواجه ساختند. حجم اعتصاب‌ها به حدی گسترش یافته بود

که کشور را به حالت نیمه‌تعطیل درآورده بود. کارکنان سازمان آب، راه‌آهن، دادگستری، پست، گمرک، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، بیمارستان‌ها، دفاتر اسناد رسمی، سازمان ملی خون ایران و ... دست به اعتصاب زده بودند. با توجه به فراگیری اعتصاب‌ها دولت به‌طور کامل ناتوان شده بود و حتی برای انجام ساده‌ترین امور روزانه کشور نیز توانی نداشت. دامنه اعتصاب‌ها آن قدر گسترش یافت که گاه حتی نمازهای جماعت را هم در برمی‌گرفت. از جمله در اهواز در پی حمله نظامیان به بیمارستان جندی‌شاپور، روحانیون این شهر در اعتراض به این عمل وحشیانه نمازهای جماعت را به مدت ۴۸ ساعت، تعطیل کردند (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳: ۹/۱۳۸).

حمایت از اعتصابیون به طرق مختلف انجام می‌شد. به‌منظور حمایت مالی از اعتصابیون، صندوق‌هایی در مساجد در نظر گرفته شده بود تا کمک‌های مردمی را برای آن‌ها جمع‌آوری نمایند. امام خمینی (ره) هم ضمن صدور اعلامیه‌هایی، همواره مردم را به حمایت از اعتصابیونی که دچار مشکلات زندگی شده‌اند، فرامی‌خواندند. ایشان اختصاص وجوهات شرعی برای کمک به اعتصابیون را مجاز اعلام کردند. شعار حمایتی «اعتصاب، اعتصاب، زمینه انقلاب»، یکی از صدها شعاری بود که در زمینه حمایت از اعتصابیون مورد استفاده قرار می‌گرفت (پناهی، ۱۳۸۳: ۸۳)؛ بنابراین اعتصاب یک شیوه اعتراضی غیرخشونت‌آمیز بود که در جریان انقلاب اسلامی بسیار مورد استفاده قرار گرفت.

۳. اعتصاب غذا

اعتصاب غذا به‌عنوان یک روش بیان خواسته بدون خشونت به حالتی گفته می‌شود که فرد برای به دست آوردن، توجه به یک نکته یا حقی که پامال شده، از خوردن و گاه آشامیدن پرهیز می‌کند. اعتصاب غذا می‌تواند به مرگ فرد منجر شود و بنابراین باید آخرین

لغو حکومت نظامی، تعقیب و محاکمه مسببان کشتارهای اخیر کشور، رفع محدودیت‌ها از کلیه تبعیدشدگان سیاسی داخل و خارج از کشور، آزادی کامل بیان و قلم، لغو کمک‌ها و امتیازات بی‌مورد به کشورهای خارجی، محاکمه کسانی که در غارت بیت‌المال نقش داشته‌اند و....

بنا بر آنچه که در مورد اعتصاب غذا گفته شد، اعتصابیون از اقشار و طبقات گوناگون دست به این عمل اعتراض‌آمیز غیرخشونت‌آمیز می‌زدند و بدین وسیله رژیم پهلوی را تحت فشار قرار می‌دادند که به خواسته‌هایشان توجه کند.

۴. شعار

یکی از منابع مهم شناخت ایدئولوژی و ارزش‌های انقلاب، شعارهای آن است. همه انقلاب‌های مدرن دارای ایدئولوژی هستند که در جریان انقلاب کارکردهای مهمی ایفا می‌کند. ایدئولوژی انقلابی در فرآیند انقلاب معمولاً به صورت شعارهای انقلابی مطرح می‌شود. به همین سبب شعارهای انقلاب از اسناد مهم و اصلی انقلاب به شمار می‌رود که مطالعه آن‌ها یکی از منابع مهم شناخت ایدئولوژی، ارزش‌ها و آرمان‌های آن انقلاب است (پناهی، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۰).

طرح شعار کاری بسیار دقیق و حساس است. از آنجاکه شعارها در مراحل اولیه هر نهضت اجتماعی مطرح می‌گردند، اگر با دقت انتخاب نشوند می‌توانند مقداری از نیروهای اجتماعی را به هدر داده و حتی جمعیت‌ها را به سوی مسیرهای انحرافی بکشانند. شعار بیشتر بیان عاطفی حرکت اجتماعی است و به علت رنگ عاطفی دارای قدرت برانگیختن بسیار زیادی است. شعارها باید قابل فهم باشند، ریشه در سوابق تاریخی مشترک مردم داشته و دارای جذابیت باشند. در جریان انقلاب اسلامی ایران به طور کلی شعارها را می‌توان به دو دسته شعارهای خاص و شعارهای عام

حربه‌ای باشد که فرد برای بیان نظرش یا به دست آوردن چیزی از آن استفاده می‌کند. از بعدی دیگر، اعتصاب غذا نخوردن غذا با اراده خود شخص و در اعتراض به موضوعی است که خود تقسیم می‌شود به اعتصاب غذای خشک و اعتصاب غذای تر. اعتصاب غذای خشک شامل نخوردن آب و غذاست و اعتصاب غذای تر فقط نخوردن غذاست. اعتصاب غذا ممکن است همراه با تحصن و بست‌نشینی در مکانی انجام شود یا توسط زندانیان در زندان انجام شود (علوی، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۴).

اعتصاب غذا به عنوان شیوه‌ای اعتراضی در ماه‌های پایانی رژیم پهلوی وارد چنته کنش مردم ایران گردید. بدین ترتیب اقشار مختلف مردم در اعتراض به اقدامات رژیم به اعتصاب غذا روی می‌آوردند. کارکنان سازمان‌های دولتی، زندانیان سیاسی، طلاب و دانش‌آموزان و سایر اقشار اجتماعی در برهه‌هایی از انقلاب دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب غذا معمولاً در واکنش و اعتراض به کشتار مردم و یا آزار و اذیت گروه‌های مختلف مردمی و همین‌طور برای اعلام همبستگی صورت می‌گرفت.

در بحبوحه انقلاب زندانیان سیاسی از آخرین تیر ترکش خود برای مبارزه و اعتراض استفاده می‌کردند. موارد متعدد اعتصاب غذا توسط زندانیان سیاسی گزارش گردیده است. دانشگاهیان نیز از حربه اعتصاب غذا استفاده می‌کردند. در مواردی برای شکستن اعتصاب غذا، توسط اعتصابیون شرایطی وضع می‌شد؛ برای مثال، دانش‌آموزان دختر و پسر به همراه طلاب در مهاباد دست به اعتصاب غذا زدند و مدت آن را ۴۸ ساعت و شرط شکستن آن را آزادی کلیه زندانیان سیاسی اعلام کردند (کیهان، ۵۷/۸/۳: ۲).

کسانی که دست به اعتصاب غذا می‌زدند درخواست‌هایی داشتند که به طور معمول شامل موارد زیر می‌شد: آزادی کلیه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط،

در حدود ۱۵ درصد کل شعارها بودند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۳۸-۳۶).

در جریان انقلاب اسلامی ایران ۴۱۵۳ شعار، وجود داشته است. با توجه به حجم زیاد شعارها، مشخص می‌شود که شعارها یکی از سلاح‌های مهم مبارزه علیه رژیم پهلوی بوده‌اند (مؤسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱: ۲۲۳-۲۲۲)؛ بنابراین شعارها در جریان انقلاب اسلامی ایران ابزارهای بسیار مفید و مهمی بودند که علاوه بر بیان اعتراضات مردمی، با توجه به محتوا می‌توانستند گروه‌های بیشتری را به انقلاب پیوند زده و به جرگه انقلابیون وارد کنند. در عکس‌های به‌جامانده از روزهای انقلاب، گروه‌های مختلف مردمی مشاهده می‌شوند که در حال شعارنویسی بر روی دیوارها هستند و این‌گونه به نشر شعارهای موردنظر انقلاب کمک می‌کنند.

۵. الله اکبرهای شبانه

یکی از روش‌های به کار گرفته شده در بیان ناراضی‌ها، نوع خاصی از تظاهرات بود که «تکبیر شبانه» نام گرفت و در هیچ‌یک از انقلاب‌های گذشته دیده نشده بود. شب‌ها هنگامی که برق‌ها خاموش می‌شد و شهر در ظلمت فرومی‌رفت، غریب‌الله‌اکبر از سرتاسر شهر برمی‌خاست. صدای تکبیر با صدای گلوله درمی‌آمیخت و همواره صدای گلوله بود که مغلوب می‌گشت (اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۹۱).

این شیوه اعتراضی برای اولین بار در شب اول محرم ۵۷ مورد استفاده واقع شد. پس از آنکه روز دهم آذر ۵۷، در تظاهرات و ناآرامی سپری شد، در آغاز شب، ندای «الله اکبر» و «لا اله الا الله» در سراسر شهر طنین‌انداز شد. با شروع ساعت منع عبور و مرور و مقررات حکومت نظامی، چنان‌که از قبل در مساجد توصیه شده بود، ندای «الله اکبر» که از بام‌های منازل شهر تهران برمی‌خاست، پایتخت ساکت و خاموش را ناگهان سرشار از هیجان و جنبش کرد (اطلاعات

تقسیم کرد. شعارهای عام تقریباً در تمامی شرایط و در همه تجمعات و گردهمایی‌ها استفاده می‌شدند؛ اما شعارهای خاص به مناسبت یک روز و مناسبت خاص مورد استفاده واقع می‌شدند (بی‌نا، بی‌تا: ۱۵-۱۳).

شعارهای انقلابی با دقت و ظرافت خاصی انتخاب می‌شوند. شعار علاوه بر آنکه ابزار اعتراض است، با توجه به محتوایش می‌تواند بسیج‌کننده هم باشد. در انقلاب اسلامی شعارهایی مانند «برای حفظ قرآن، مردم به ما ملحق شوید» و یا «ایران شده فلسطین، مردم چرا نشستین» و همین‌طور شعار «وای به تو مسلمان اگر به پا نخیزی» بیشتر از آنکه اعتراض مردم به رژیم حاکم را نشان دهند، سعی در همراهی و بسیج سایر مردم داشتند. شعارها جز جدانشدنی راهپیمایی‌های مردمی بودند؛ اما این‌طور نبود که تنها شعار دادن مختص به راهپیمایی‌ها باشد در هر زمان و مکانی انقلابیون مبادرت به شعار دادن، می‌کردند. البته شعارها تنها لفظی نبودند و دیوارنوشته‌ها و شعارنوشته‌ها را هم شامل می‌شدند. انقلابیون بسیاری از شعارها را به‌صورت پارچه‌نوشته‌هایی در تظاهرات با خود حمل می‌کردند. این شعارها معمولاً شامل آیات قرآن و جملات بزرگان بودند.

مهندس بازرگان در مورد محتوای شعارهای انقلاب ۵۷، به‌خصوص محتوای شعارهای راهپیمایی‌های عمده تهران، خصوصاً عید فطر، تاسوعا و عاشورا، آمارهایی ارائه می‌کند. این آمارها که از روی نوارها به دست آمده، نشان می‌دهند که شعارها، حول و حوش چهار مطلب یا پیام بودند. شعارهای ضد استبدادی در حدود ۳۸ درصد کل شعارها را شامل می‌شدند، شعارهای مربوط به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در حدود ۳۱ درصد، شعارهای مربوط به رهبری آیت‌الله خمینی (ره) ۱۶ درصد و شعارهایی که یاد گذشتگان و شهدا را گرامی می‌داشت

۶. تحصن

نادرتین شکل مبارزه در جنبش انقلاب اسلامی، تحصن و بست‌نشینی در منازل و مکان‌های خاص بود که مخالفان در روند انقلاب با توسل به آن و به‌صورت کاملاً مسالمت‌آمیز، اعتراضات خود را ضد رژیم اعلام کردند. این شیوه اعتراض که در ایران سابقه طولانی داشت، در انقلاب اسلامی نیز برای نخستین‌بار توسط مردم اصفهان در یک اقدام ناگهانی به کار گرفته شد. در ۱۳ تیر ۵۷ مادران و خواهران زندانیان سیاسی محبوس در زندان اصفهان، در منزل آیت‌الله خادمی متحصن شده و دست به اعتصاب غذا نیز زدند. این تحصن به مدت بیست روز ادامه یافت (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸: ۴/۶۵).

روند برگزاری تحصن‌ها در تابستان ۵۷ ادامه یافت و انقلابیون در شرایط مختلف از این شیوه اعتراضی بهره جستند. منازل علما، مساجد، حرم امامزادگان، دانشگاه‌ها، حتی محیط مدارس و ادارات محل‌هایی بودند که متحصنین جهت اعتراض به شیوه بست‌نشینی انتخاب می‌کردند. اقشار و طبقات مختلفی در تحصن‌ها شرکت می‌کردند. علما، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، اساتید دانشگاه‌ها، کارمندان ادارات دولتی و ... چهره مردمی تحصن‌ها را تشکیل می‌دادند. از آنجاکه امکان پرداختن به تمامی تحصن‌های صورت گرفته در سال ۵۷ مقدور نیست به تعدادی از آن‌ها که توانستند حمایت بیشتری را جلب کنند و بیشتر رژیم را تحت فشار قرار دهند، پرداخته می‌شود.

در ۲۳ آذر ۵۷ گروهی از مزدوران رژیم پهلوی در یکی از بیمارستان‌های مشهد دست به جنایت هولناکی زدند که منجر به برگزاری تحصن در این بیمارستان گردید. آن‌ها به طرز وحشیانه‌ای به بیمارستان شاه‌رضا حمله کردند و ضمن زخمی کردن اطبا و پرستاران، نوزادی را هم به شهادت رساندند. بعد از این واقعه معترضان در بیمارستان متحصن شدند و گروه‌های

(ضمیمه)، ۱۳۶۰/۱۱/۱۶: ۲). در شب‌های بعد هم همین رویه تکرار شد. بعد از ساعت منع آمدوشد، صدای «الله اکبر» در اغلب نقاط تهران به گوش می‌رسید. گروه‌هایی از مردم بعد از ساعت ۹ شب دسته‌دسته راهی خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌شدند و با فریادهای «الله اکبر» موقعیت خود را به هم خبر می‌دادند (کیهان، ۱۳۶۰/۱۰/۱۶: ۵).

سالیوان سفیر وقت آمریکا در ایران در مورد الله‌اکبرهای شبانه می‌نویسد: از ماه اکتبر مخالفین مذهبی دست به تاکتیک مؤثر و تازه‌ای برای نشان دادن قدرت خود زدند. آن‌ها از مردم دعوت کردند که شب‌ها به پشت‌بام‌ها رفته و شعار الله اکبر سر دهند. سربازان در ساعات منع عبور و مرور با شلیک تیر هوایی به این شعارها پاسخ می‌دادند. زندگی شبانه در تهران به کابوسی تبدیل شده بود (سولیوان، ۱۳۶۱: ۱۲۰).

پارسونز، سفیر وقت انگلیس، نیز در مورد اولین شب محرم ۱۳۵۷ در خاطراتش چنین می‌نویسد:

«... درست رأس ساعت ۹ شب که دولت مقررات حکومت نظامی و منع رفت‌وآمد را اعلام کرده بود ... مردم در پشت‌بام‌های خانه‌های خود فریاد «الله اکبر» سر دادند. نظامیان به مقابله برخاستند و صدای شلیک مسلسل‌ها و تفنگ‌ها و حتی صدای توپ که ظاهراً به‌وسیله تانک‌ها شلیک می‌شد، طوفانی به پا کرد. در این ساعت برق شهر هم قطع شده بود و صدای گنج‌کننده شلیک تیر و توپ با فریادهای الله‌اکبر به‌هم‌آمیخته بود» (اقدسی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

در مورد الله‌اکبرهای شبانه به‌عنوان روشی اعتراضی غیرخشونت‌آمیز، باید گفت که این روش مختص به انقلاب اسلامی بود. در تاریخچه مبارزات مردمی ایرانیان در ادوار گذشته، این روش در چینه کش مردم وجود نداشت و در جریان انقلاب به آن راه یافت.

با توجه به مطالب ذکرشده، تحصن از جمله روش‌های اعتراضی غیرخشونت‌آمیزی محسوب می‌شد که ریشه در تاریخ، فرهنگ و مذهب مردم ایران داشت. تحصن در میان مردم ایران دارای جایگاه والایی بود.

۷. تخریب و تصرف

گوستاو لوبون معتقد است که افراد در گروه‌های بزرگ، کنشی متفاوت از کنش‌های فردی خود انجام می‌دهند. در کل جماعات از نظر او عملکردی ناخودآگاه دارند، تفکر عقلانی آن‌ها در درجه پایینی است؛ لذا قدرت انهدام و تخریب دارند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۳۵). به نظر لوبون چنانچه عده‌ای خشمگین در جمع انقلابیون به تخریب، غارت و تصرف اموال و اماکن اقدام کنند، این حس در میان سایرین نیز نفوذ کرده و دیگران را هم با مخربان همراه می‌کند.

به‌طور معمول در تمامی انقلاب‌ها، معترضین به اموال دولتی و همین‌طور اموال شخصی آسیب می‌زنند. انقلابیون با عصبانیت به شکستن، آتش کشیدن و سایر اشکال تخریب روی می‌آورند. اگر انقلابیون موفق شوند نظام پیشین را ساقط و نظام جدیدی جایگزین آن کنند، نظام جدید باید هزینه‌های زیادی برای ترمیم خرابی‌های دوران انقلاب بپردازد.

در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز مانند سایر انقلاب‌ها تخریب‌هایی توسط انقلابیون صورت می‌گرفت. یکی از متداول‌ترین آن‌ها پایین کشیدن تندیس‌های رضاشاه و محمدرضا شاه از میادین و دیگر مکان‌ها بود. انقلابیون خشم و انزجار خود را از رژیم پهلوی، با از بین بردن مجسمه پهلوی‌ها به نمایش می‌گذاشتند. گاه برای پایین آوردن مجسمه‌ها وقت و انرژی زیادی صرف می‌شد و با پایین آمدن آن‌ها فریاد شادی همه‌جا را فرامی‌گرفت؛ برای مثال، در دانشگاه تهران در ۱۳ آبان، دانشجویان ساعت‌ها تلاش کردند و سرانجام با استفاده از بلدوزر توانستند مجسمه را پایین

مختلف مردم به آن‌ها پیوستند. این تحصن ۱۳ روز به طول انجامید و تعداد شرکت‌کنندگان در آن به ۱۵۰۰ نفر رسید.

یکی از مهم‌ترین تحصن‌های صورت گرفته مربوط به تحصنی است که در دانشگاه تهران انجام شد. با انتشار خبر بازگشت امام (ره) به کشور، روحانیون مبارز سراسر کشور برای استقبال از امام خمینی (ره) به تهران آمده بودند؛ اما هنگامی که بسته شدن فرودگاه‌ها و علاوه بر آن سرکوب مردم توسط نظامیان را دیدند، در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند. تعداد روحانیون اعتصابی ابتدا چهل نفر بود اما رفته‌رفته به صدها نفر رسید. روحانیون متحصن در ۸ بهمن‌ماه با صدور اعلامیه‌ای خطاب به ملت ایران اعلام کردند تا بازگشت امام (ره) به کشور به تحصن خود ادامه خواهند داد. با ورود امام به کشور در ۱۲ بهمن ۵۷، متحصنان با صدور اعلامیه‌ای مبنی بر ادامه مبارزه تا پیروزی نهایی، پایان تحصن خود را اعلام کردند (قاسم‌پور، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۱۸).

تحصن اساتید دانشگاه تهران در روزهای پایانی فصل پاییز به خونریزی انجامید. از روز ۲۹ آذر ۱۳۵۷ شصت و پنج نفر از استادان دانشگاه‌های تهران در دبیرخانه دانشگاه اعتصاب کردند. در این روز بر سردر ساختمان دبیرخانه دانشگاه تهران، پارچه‌ای آویخته شد که آغاز تحصن استادان دانشگاه‌ها را اعلام می‌کرد. نمایندگان دانشگاه‌های تهران، پلی‌تکنیک، آزاد، صنعتی، علم و صنعت، ملی، مدرسه عالی بازرگانی و... اعتراض خود را نسبت به تعطیلی دانشگاه‌ها به شکل بست‌نشینی اعلام کردند (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳: ۹/۴۷۲). در پی این تحصن، تظاهراتی در ۵ دی‌ماه در جلوی دبیرخانه صورت گرفت، کامران نجات‌الهی یکی از استادان دانشگاه مورد اصابت گلوله واقع و کشته شد (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۷۷).

خودداری کنند. شعارهایی نیز برای بازداشتن مردم از اعمال تخریبی طراحی شده بود. تکرار شعار «برادر هم‌وطن کشور را آتش نزن» و یا حمل پارچه‌نوشته‌ای که این عبارت بر روی آن نوشته شده بود: «ما هرگز چیزی را آتش نمی‌زنیم و جایی را خراب نمی‌کنیم» و طرح شعار «ما شیشه‌شکن نیستیم» (بزرگمهر، ۱۳۵۸: ۵۹) همه و همه تلاش‌هایی بود که در جهت بازداشتن مردم از تخریب اموال و اماکن عمومی و خصوصی انجام می‌گرفت.

در جریان انقلاب‌ها، انقلابیون علاوه بر تخریب، سعی در تصرف و به دست آوردن کنترل مکان‌های مهم و استراتژیک دارند. این اماکن مهم شامل مراکز نظامی همچون کلاتری‌ها، زرادخانه‌ها و اسلحه‌سازی‌ها، شهربانی‌ها و همین‌طور مراکز رادیویی و تلویزیونی و مراکز این‌چنینی است که برای بقای رژیم لازم و ضروری هستند.

در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی، به‌خصوص در روزهای پایانی رژیم سابق مکان‌ها و مراکز زیادی توسط مردم تصرف شد و به کنترل آن‌ها درآمد. رژیم پهلوی با از دست دادن کنترل بر کلاتری‌ها، اسلحه‌سازی‌ها، انبار تسلیحات، ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون و سایر اماکن مهم و استراتژیک دیگر امیدی به بقا نداشت. در ادامه به تعدادی از تصرفات انقلابیون در روزهای پایانی منتهی به انقلاب اسلامی اشاراتی می‌شود.

کلاتری‌ها در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ یکی پس از دیگری توسط انقلابیون اشغال می‌گردید. متن خبری که روزنامه اطلاعات در روز ۲۲ بهمن در مورد تصرف کلاتری‌ها توسط انقلابیون منتشر کرد، به این شرح است: «... گروه‌های مردم به کلاتری‌های واقع در مجیدیه، بهارستان، میدان مجسمه، میدان خراسان و ... حمله کردند و آن‌ها را وادار به تسلیم کردند. پس از تسلیم شدن کلاتری‌های این نواحی، مردم تمام وسایل

آوردند و پس از فروافتادن تندیس شاه غریب شادی در همه‌جا طنین‌انداز شد (اقدسی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

حمله به بانک‌ها، دفاتر حزب رستاخیز، مراکز ساواک، سینماها، کاباره‌ها، مشروب‌فروشی‌ها و ... تبدیل به فعالیت روزانه انقلابیون شده بود. مردم خشمگین و ناراضی پس از حمله به این مراکز شیشه‌ها را می‌شکستند، ساختمان‌ها را تخریب می‌کردند و در مواردی هم ساختمان‌ها را آتش زده و به خاکستر تبدیل می‌کردند. ویران کردن انبارها و کارخانه‌های آبجوسازی و مشروب‌سازی کشور یکی از اعمال تخریبی بود که کرات توسط مردم به وقوع می‌پیوست. علت تخریب کارخانه‌های مشروب‌سازی و مشروب‌فروشی‌ها را باید در ضدیت وجود این مراکز با اعتقادات مذهبی مردم جویا شد.

لازم به توضیح است که بانک صادرات بیشتر از سایر بانک‌ها مورد حمله و تعرض انقلابیون قرار می‌گرفت، دلیل این امر سرمایه‌گذاری بهاییان در این بانک بود که سبب شده بود تعدادی از مراجع هرگونه معامله با بانک مذکور را جایز ندانند. دفتر حزب رستاخیز هم از مراکزی بود که همواره در شهرهای مختلف تخریب می‌گردید؛ زیرا مظهر و نماد حکومت دیکتاتوری محسوب می‌شد (حسن‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۷۵). سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های دولت‌های خارجی در ایران هم از گزند و آسیب در امان نبودند و مورد حمله و تخریب واقع می‌شدند. کنسولگری آمریکا و ترکیه در تبریز مورد یورش مردم این شهر قرار گرفت (کیهان، ۱۳۸۶/۱۰/۵۷: ۷). انقلابیون همچنین اعتراض و انزجار خود نسبت به رابطه میان دولت ایران و اسرائیل را با تخریب دفاتر این کشور در ایران به نمایش می‌گذاشتند. اما رهبران انقلاب همواره مردم را از تخریب بر حذر می‌داشتند. آیت‌الله طالقانی به‌عنوان یکی از رهبران، با انتشار اعلامیه و ایراد سخنرانی، پی‌درپی از مردم می‌خواست که از آتش‌سوزی و تخریب اماکن عمومی

۸. قتل و ترور

ترور (ارعاب) به اعمالی مانند قتل سیاسی، آدم‌ربایی، بمب‌گذاری و ... به‌قصد اخلال در روان‌شناسی فرد در توده اجتماعی گفته می‌شود (گرین، ۱۳۸۷: ۱۸۵). انقلاب اسلامی ایران، نسبت به سایر انقلاب‌های هم‌عصر خویش خشونت‌بار نبود. لذا بیشتر روش‌های اعتراضی به کار برده شده در جریان این انقلاب روش‌های مسالمت‌آمیز و به دور از خشونت بود. با این حال در این انقلاب هم مواردی از رفتارهای خشونت‌آمیز اعتراضی همچون قتل و ترور دیده می‌شود. ترورها در اغلب اوقات توسط گروه‌های سازمان‌یافته‌ای همچون گروه توحیدی صف، منصورون، موحدین و یا مجاهدین خلق انجام می‌گرفت؛ اما تعدادی از قتل‌ها هم توسط افرادی که وابستگی سازمانی نداشتند، انجام شد. در ابتدا چند مورد از عملیات ترور و ارعاب سازمان‌یافته بیان می‌شوند و سپس به تعدادی از ترورهای انجام‌شده غیر سازمان‌یافته اشاره می‌شود.

در دی‌ماه ۵۷ پل گریم آمریکایی مدیر ارشد عملیات شرکت سهامی خاص خدمات نفتی ایران، توسط واحد نظامی شهید مصطفی خمینی (ره) وابسته به گروه موحدین، با شلیک ۱۱ گلوله از پای درآمد. علاوه بر پل گریم، محمد بروجردی رئیس واحد تولید شماره ۱ و ۲ نفت اهواز و عامل سرکوب اعتصاب نفت، توسط گروه منصورون کشته شد (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳: ۳۳/۹). در ماه‌های پایانی سال ۵۷، گروه توحیدی صف، اتویوس حامل کارشناسان نظامی آمریکایی شاغل در هوانیروز اصفهان را مورد حمله قرار داد و تعدادی از آمریکاییان را مجروح کرد (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: ۳۰۶/۶). همچنین در بامداد روز چهارشنبه ۵۷/۶/۱۵ یک واحد عملیاتی از سازمان فداییان خلق یکی از مراکز استقرار کماندوهای شهربانی را با بمب و مسلسل مورد حمله قرار داد و پس از ضربه زدن به این مرکز و به آتش کشیدن و

داخل آن‌ها را بیرون ریخته و اسلحه و مهمات موجود را بین افراد تقسیم کردند...» (اطلاعات، ۵۷/۱۱/۲۲: ۳). در شهرستان‌ها هم مردم مبادرت به تصرف کلانتری‌ها می‌کردند. در روز ۲۲ بهمن ۵۷ مردم شهر شیراز با شعار «در تهران جنگ است، خاموشی ننگ است» به خیابان‌ها ریختند و تا شامگاه همان روز، با دادن چندین شهید و مجروح بسیاری از کلانتری‌ها و همچنین شهربانی شیراز را تصرف کردند (علی‌اکبری بایگی، ۱۳۸۴: ۳۰۶).

علاوه بر کلانتری‌ها مراکز مهم دیگری نیز توسط انقلابیون تصرف گردید. یکی از نقاط مهمی که به شدت مورد نظر انقلابیون بود، تسخیر مسلسل‌سازی یا انبار تسلیحاتی رژیم بود. این مرکز در اواسط شب ۲۱ بهمن مورد هجوم مردم قرار گرفت. انقلابیون به سمت مسلسل‌سازی تیراندازی کردند. آن‌ها با دیلم و کلنگ دیوار شرقی تسلیحات ارتش را از پنج نقطه شکافتند و هنوز آفتاب ندمیده بود که انبار تسلیحات رژیم شاه به دست مردم افتاد و آن‌ها بیش‌ازپیش مسلح شدند (قاسم‌پور، ۱۳۸۵: ۲۲).

رادیو و تلویزیون از جمله آخرین مراکزی بود که توسط انقلابیون تصرف گردیدند. در بعدازظهر روز ۲۲ بهمن ۵۷ تعدادی از انقلابیون، حوالی ساعت ۵ بعدازظهر موفق به تصرف ساختمان رادیو شدند و توانستند دستگاه‌ها را راه‌اندازی کرده و صدای انقلاب را از رادیو پخش نمایند. بعد از آن جام جم هم توسط انقلابیون تسخیر شد (علی‌اکبری بایگی، ۱۳۸۴: ۲۹۹-۲۹۳).

بنابراین تخریب، تصرف و غارت روش‌های اعتراضی خشونت‌باری بودند که در جریان انقلاب اسلامی مورد استفاده انقلابیون واقع شدند.

مبارزه مسلحانه در این پژوهش، این است که در مبارزه مسلحانه هر دو طرف مسلح هستند و با آگاهی از مسلح بودن طرف مقابل، با هم به جنگ می‌پردازند اما در مورد ترور یکی از طرف‌های درگیر با استفاده از عملیات غافلگیرکننده سعی در ضربه زدن به رقیب خود با به کارگیری سلاح دارد.

۹. تمرد نظامیان و پیوستن به مردم

هنگامی که یک کشور درگیر شرایط انقلابی می‌شود، وجود ارتش و نیروهای مسلح وفادار مانعی محکم در برابر از دست رفتن حکومت و جابجایی قدرت است؛ اما از بین رفتن وفاداری نیروهای مسلح امیدهای حکومت برای بقا را از بین می‌برد. بدون تردید ارتش اصلی‌ترین و مهم‌ترین حامی تاج و تخت محمدرضا شاه بود. اصولاً از آنجاکه حکومت‌های فاقد مشروعیت همواره خود را از ناحیه مردم در معرض سرنگونی می‌بینند، با توسل به ابزار سرکوب، پلیس و ارتش، تکیه‌گاهی برای امنیت حکومت خود می‌سازند. محمدرضا شاه نیز از ابتدای سلطنت خویش سعی کرده بود که بر ارتش مسلط شود و آن را ابزاری در خدمت اهداف شخصی خود قرار دهد (بهشتی‌سرشت، ۱۳۹۱: ۳۵۹).

رهبر انقلاب هم با مدنظر قرار دادن وابستگی مطلق رژیم شاه به وفاداری ارتش و نیروهای مسلح، قبل از آنکه با اسلحه با ارتش روبه‌رو شود، در یک جنگ سیاسی و روانی با ارتش برخورد کرد. ایشان از سربازان و درجه‌داران می‌خواهد که به وظایف دینی و مذهبی خود عمل کنند و به انقلاب بپیوندند و پادگان‌ها را تخلیه کرده و از ارتش فرار کنند و دستورهای مافوق را اطاعت نکنند و به جنبش مردم مسلمان ایران ملحق شوند. نظامیان به طرق مختلف در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند. فرار سربازان از پادگان‌ها، تمرد از دستورات مافوق، پیوستن به مردم و حضور در جمع آن‌ها، قتل فرماندهان و صدور اعلامیه از جمله اقداماتی

نابودی تعدادی از مأمورین به پایگاه خویش برگشت (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸: ۵/۲۳۰-۲۲۹).

گفته شد که علاوه بر عملیات ارباب و تروری که گروه‌های سازمان‌یافته انجام می‌دادند، افرادی که وابستگی سازمانی هم نداشتند، مرتکب قتل‌های انقلابی می‌شدند. بیشتر مقتولان را درجه‌داران ارتش و مسئولان استانی تشکیل می‌دادند که مورد تنفر و انزجار مردم قرار داشتند؛ برای نمونه، به چندین مورد از قتل‌های انجام‌گرفته غیر سازمان‌یافته در کوران انقلاب اسلامی، پرداخته می‌شود.

تیراندازی ضد خدایاری، استاندار همدان، به‌وسیله یکی از سربازان وظیفه ژاندارمری، که در نتیجه آن، خدایاری به شدت مجروح شد و سرباز مزبور با اسلحه و تجهیزات مربوطه متواری شد (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۷۳). سرهنگ زمانی‌پور رئیس کلانتری ۶ مشهد در خیابان مورد حمله قرار گرفت و به ضرب گلوله از پا درآمد (اطلاعات، ۵۷/۷/۹: ۴). سرهنگ ضرغام معاون انتظامی و اداری ساواک شیراز در جریان حمله مردم به ساواک، کشته شد (کیهان، ۵۷/۱۰/۲۳: ۶). خانه سرهنگ علی وجدانی افسر فرمانداری نظامی به آتش کشیده شد و خودش نیز به قتل رسید (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۱۰۵).

بنابراین قتل و ترور هم یکی از روش‌های خشونت‌آمیزی بود که انقلابیون به‌منظور بیان اعتراضات خود نسبت به رژیم از آن بهره گرفتند؛ اما قتل و ترور در جریان انقلاب ایران بسیار کمتر از سایر روش‌ها مورد استفاده واقع شد، بعضی از گروه‌ها و سازمان‌ها این روش را به‌عنوان یک روش سودمند پذیرفته بودند و دست به ترورهای انقلابی می‌زدند اما این روش از طرف مردم مورد پذیرش واقع نشد و رهبران انقلاب هم به‌هیچ‌وجه مردم را به استفاده از آن ترغیب نکردند. لازم به توضیح است که در بخش دیگری از این پژوهش از روش اعتراضی با نام مبارزه مسلحانه نام برده شده است. فرق قتل و ترور به‌عنوان شیوه اعتراضی با

بودند که نظامیان در اعتراض به شرایط موجود آن روز انجام دادند.

قره‌باغی رئیس ستاد ارتش، دلایل ترمرد نیروهای مسلح و ارتش را این‌طور بیان می‌کند: تبلیغات به اشکال مختلف به‌وسیله روزنامه‌ها، شعارنویسی به دیوارهای شهر، اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌های گوناگون به‌صورت یک جنگ روانی کامل و با شدت هرچه‌تمام‌تر روی کارکنان نیروهای مسلح شاهنشاهی اعمال می‌شد. علاوه بر تبلیغات عمومی، تبلیغات مخصوصی برای کارکنان نیروهای مسلح صورت می‌گرفت که عبارت بودند از: پخش اعلامیه و نوارهای گوناگون که در سربازخانه‌ها منتشر می‌شد. انتشار خبر آتش‌سوزی، قتل و غارت و کشتار مردم در نقاط مختلف کشور، باعث نگرانی کارکنان به‌خصوص کادر وظیفه نسبت به خانواده‌هایشان می‌شد. تبلیغات بر روی کارکنان نظامی نه‌تنها به‌صورت عمومی صورت می‌گرفت بلکه انقلابیون به‌صورت انفرادی نیز با کارکنان ارتباط برقرار می‌کردند و حتی به آن سربازانی که فرار کرده بودند لباس و هزینه سفر به شهرهایشان را هم می‌دادند. تعدادی از کارکنان شهربانی به‌صورت کتبی گزارش کرده بودند که از مقلدین آیت‌الله خمینی (ره) هستند و نمی‌توانند بر خلاف دستور ایشان عمل کنند. با این تفاسیر روزبه‌روز بر تعداد غایبین و سربازان فراری افزوده می‌شد. آیت‌الله‌ها و مراجع تقلید نیز فتوا داده بودند که هر کس به رژیم سلطنت خدمت کند، مرتد است. همین‌طور متعاقباً فتوا دادند که سربازان، درجه‌داران و افسران به ترک سربازخانه‌ها مکلف‌اند (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۱۰۴-۱۰۱).

به‌این‌ترتیب امام خمینی (ره) موفق شد با جلب حمایت نظامیان به سمت انقلابیون و سلب وفاداری آن‌ها از رژیم پهلوی، مهم‌ترین ستون اتکای رژیم را فروریزد و از آن در جهت پیشبرد اهداف انقلاب بهره گیرد. هنگامی که امام خمینی (ره) دستور فرار سربازان از پادگان‌ها را صادر کرد، هر روز جمع کثیری از

سربازان سربازخانه‌ها را بدون اجازه ترک می‌کردند. آمار قره‌باغی از فرارهای انجام‌شده در دی‌ماه ۵۷ روزانه ۱۰۰۰ نفر است که در روزهای پایانی رژیم این آمار به ۱۲۰۰ نفر در روز رسید. نظامیان هر روز بیشتر در جمع مردم قرار گرفته و به آن‌ها می‌پیوستند؛ برای نمونه، با انتشار خبر بسته شدن فرودگاه و ممانعت رژیم از ورود امام خمینی (ره) به کشور، همافران دست به اعتصاب غذا زدند و تعدادی از کارکنان نیروی دریایی و زمینی در راهپیمایی‌ها شرکت کرده و به صدور اعلامیه همبستگی با ملت پرداختند (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۲۷۱-۲۲۷).

نظامیان به‌عنوان روش اعتراضی حتی مبادرت به قتل فرماندهان خود نیز می‌کردند. در روز عاشورای ۵۷ چند تن از درجه‌داران و افسران انقلابی در داخل نهارخوری پادگان لویزان به‌سوی افسران و درجه‌داران تیراندازی کردند که در جریان آن عده‌ای افسر و درجه‌دار و سرباز به قتل رسیدند (قره‌باغی، ۱۳۶۸: ۷۳).

۱۰. مبارزه مسلحانه

اتخاذ استراتژی مبارزه مسلحانه و به‌کارگیری روش‌های خشونت‌طلبانه برای تغییرات سیاسی، در جنبش انقلاب اسلامی بسیار نادر است. از نظر امام (ره) در اداره انقلاب، مردم به‌عنوان مرکز ثقل پیشبرد مبارزه به‌شمار می‌رفتند، مبتنی بر همین اصل، جنگ مسلحانه به‌عنوان روش پذیرفته‌شده در جهان سوم، نفی گردید و حضور میلیونی مردم در راهپیمایی‌ها تجویز گردید. این روش از جانب گروه‌های التقاطی و چپ مطرود بود؛ زیرا از نظر آن‌ها مبارزه مسلحانه تنها راه انقلاب بود. این روش چنانچه از طرف رهبری مورد استفاده قرار می‌گرفت، معضل اصلی رژیم در کاربرد ارتش و شدت عمل هر چه بیشتر را حل می‌کرد؛ زیرا با کشته شدن افراد ارتش بذر کینه در دل نظامیان کاشته می‌شد و مقابله با مردم جزو حقوق مشروع آن‌ها در دفاع از خود تلقی می‌گردید؛ اما امام (ره) تا آخرین لحظات سعی کردند

تا ظهر روز شنبه ۲۱ بهمن درگیری‌ها از خیابان‌های اطراف و مرکز آموزش هوایی به تمام شهر سرایت کرد و مردم گروه‌گروه به کلانتری‌ها و تأسیسات نظامی داخل شهر حمله کردند و با خلع سلاح افراد، نقاط حساس دیگر پایتخت را نیز به تصرف درآوردند (خلیلی، ۱۳۶۰: ۲۶۸-۲۶۰).

در مورد نحوه و توزیع اسلحه در میان مردم طبق شواهد موجود، این کار در مساجد صورت می‌گرفت و مردم انقلابی با مراجعه به مسجد می‌توانستند سلاح گرم دریافت کنند. همچنین در مواردی شماره تلفن‌هایی اعلام و از متقاضیان خواسته شده بود در صورت تمایل به دریافت اسلحه با آن شماره تماس بگیرند (اطلاعات، ۵۷/۱۱/۲۲: ۲).

گفته شد که رهبران انقلابی مردم را به مبارزه مسلحانه تشویق نمی‌کردند و سعی داشتند با استفاده از روش‌های غیرخشونت‌آمیز رژیم پهلوی را سرنگون کنند؛ اما در این میان اعلامیه‌هایی از طرف گروه‌های مختلف که اغلب دارای گرایش‌های چپ بودند در میان مردم توزیع می‌شد که آن‌ها را به مبارزه مسلحانه فرامی‌خواند؛ مثلاً در تاریخ ۹ آذر ۵۶ اعلامیه‌ای با عنوان «ای هم‌وطن» در قسمت‌هایی نصب شده بود و برای سرنگونی رژیم از مردم دعوت به همکاری کرده و در خاتمه آن نیز جمله «زنده‌باد مبارزه مسلحانه ایران» نوشته شده بود (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶: ۱۷۴).

بنابراین راهبرد مبارزاتی در جریان انقلاب اسلامی که توسط رهبران به‌خصوص امام خمینی (ره) تجویز گردید، استراتژی مقاومت منفی بود. این شیوه مقابله امام (ره) که حتی در اوج درگیری‌های انقلاب و زمانی که بسیاری از افراد و گروه‌ها فریاد جنگ مسلحانه سر می‌دادند، ادامه یافت و باعث شد تا انقلاب از نظر استراتژی و حرکت کلی چهره دفاعی به خود بگیرد. امام (ره) با این کار توانست در مردم این احساس را به وجود

تنها با حضور مردم انقلاب را به پیروزی برسانند (اردستانی، ۱۳۷۶: ۶۰).

امام خمینی (ره) نظر خود در مورد مبارزه مسلحانه را این‌گونه بیان کردند: «... این جانب بنا دارم که مسائل ایران به‌طور مسالمت‌آمیز حل شود. لکن دستگاه ظلم و ستم چون خود را محکوم می‌بیند دست به جنایت زده ... من باآنکه هنوز اعلام جهاد مقدس نکرده‌ام و نیز مایلیم تا مسالمت حفظ و قضایا موافق آرای ملت و موازین قانون عمل شود. اخطار می‌کنم اگر دست از برادرکشی بردارید، تصمیم آخر را می‌گیرم و مسئولیت آن با متجاوزان است ...» (قاسم‌پور، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

در حقیقت رهبران نهضت به‌ویژه رهبر اصلی انقلاب، امام خمینی (ره) از آغاز اعتراضات و درگیری‌های خونین حاضر نبودند که صحنه مبارزه را به دلایل امنیتی به دشمن سپرده و حامیان خود را قربانی سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رژیم نمایند. بااین‌وجود، سرکوب‌های شدید و خصمانه در روزهای پایانی سقوط رژیم توسط مأموران امنیتی موجب شد تا انقلابیون شیوه مبارزه مسلحانه را برای سرنگونی کامل و نهایی شاه انتخاب کنند.

نخستین درگیری مسلحانه میان نیروهای انقلابی و مأموران رژیم، در جریان ابراز احساسات دانشجویان نیروی هوایی نسبت به پخش فیلم مراسم استقبال امام خمینی (ره) و حمله مسلحانه مأموران گارد شاهنشاهی به آن‌ها در پادگان دوشان تپه در تاریخ ۲۰ بهمن آغاز شد. با شروع درگیری، سازمان‌های چریکی و مردم برای کمک به همافران محاصره‌شده به پادگان مزبور هجوم بردند و پس از شش ساعت درگیری شدید، مردم با کمک کارکنان نیروی هوایی به طرف اسلحه‌خانه هجوم بردند و بعد از ساختن سنگرهای خیابانی با استفاده از تفنگ و مسلسل مبارزات خود را جدی‌تر دنبال کردند (الگار، ۱۳۶۰: ۱۴۵).

در این شب‌ها شاعران و نویسندگانی همانند مهدی اخوان‌ثالث و سیمین دانشور شعر خواندند و سخن گفتند. در شب پنجم، باقر مؤمنی به ایراد سخن پرداخت و به مناسبت بزرگداشت یاد شعرا و نویسندگانی که در پنجاه سال اخیر در راه آزادی کلام جان خود را از دست داده‌اند، یک دقیقه سکوت اعلام کرد. سپس از سانسور و عواقب ناشی از سانسور صحبت کرد و گفت:

«قلمی را که خدا به آن قسم خورده نمی‌توان اسیر سلاسل و اغلال یک اداره مستبد کرد و قید به قیود نظارت ممیزه مستبدین و ظالمان نمود...» (باقی، ۱۳۷۳: ۲۲۷-۲۲۶).

در آخرین شب، محمود اعتمادزاده (به‌آذین) با سخنانی به این مراسم خاتمه داد:

«دوستان، در این ده شب که بر ما گذشت، شاعران و نویسندگان فرصت یافتند که در جمع شما بنشینند و گوشه‌ای از گفتنی‌های این زمان را بگویند. ده شب به صورت جمعیتی که غالباً سر به ده هزار و بیشتر می‌زدید، آمدید و اینجا روی چمن و خاک نمناک، روی آجر کنار حوض نشسته بودید. ساده، در هوای خنک پاییز ساعت‌ها در باران تند صبر کرده و گوش به گویندگان دادید. چه شنیدید؟ آزادی و آزادی و آزادی...» (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۸۲).

۱۲. ارسال نامه‌های اعتراض آمیز

یکی از روش‌های اعتراضی در جریان انقلاب اسلامی که توسط روشنفکران و تحصیل‌کردگان مورد استفاده واقع شد، ارسال نامه‌های اعتراض آمیز بود. جمعی از سیاستمداران ملی که از حکومت برکنار بودند، نامه‌ای سرگشاده خطاب به شاه نوشتند. این نامه که توسط بختیار، سنجابی و فروهر امضا شده بود، در ۲۲ خرداد ۵۶ منتشر شد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۶۵). محتوای نامه به نقل از بختیار این چنین بود: «نابسامانی، نارسایی‌ها، علامت انفجار از نظر اجتماعی، اقتصادی در

آورد که انقلاب با کسی سر جنگ و خونریزی ندارد و انقلابیون تنها حقوق از دست‌رفته خود را می‌خواهند و چیزی بیش از رفع ظلم و ستم نمی‌خواهند؛ چنین احساسی معمولاً به افراد شرکت‌کننده در انقلاب باور برحق بودن و مظلوم و مورد تهاجم واقع شدن را می‌دهد و مطابق روان‌شناسی ستیزه همیشه انسانی که در حال دفاع باشد، از نظر روانی بهتر و قوی‌تر از انسان مهاجم، جنگیده یا مقاومت می‌کند. به‌علاوه چنین احساسی باعث می‌شود که وهم و ترس مردم کوچه و بازار از کشتار و خونریزی تا حدودی کاهش یابد (بهشتی سرشت، ۱۳۹۱: ۲۵۹).

۱۱. برگزاری شب شعر

برگزاری شب شعر روش اعتراض آمیزی دیگری بود که در جریان انقلاب اسلامی مورد استفاده واقع شد. از روز دوشنبه ۱۸ مهر ۵۶، کانون نویسندگان ایران شب‌های شعری، به نام «شب‌های شاعران و نویسندگان» به مدت ده شب در انجمن روابط فرهنگی ایران و آلمان در خیابان پهلوی برگزار کرد (باقی، ۱۳۸۲: ۲۰۷). به مدت ده شب در انستیتو گوته نویسندگان و شاعران، گرد هم می‌آمدند. هزاران تن برای شنیدن سخنان آن‌ها هجوم می‌بردند. بیشتر حضار به دنبال سیاست بودند نه ادبیات. «سیاست در فرهنگ پناه می‌گیرد و فرهنگ به ناگزیر سیاسی می‌شود» (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۸۲-۱۸۱).

انجمن گوته که تحت سرپرستی سفارت آلمان در تهران فعالیت می‌کرد، این شب شعرها را ترتیب داده بود که قرار بود عده‌ای از شاعران ایرانی در آن شعر بخوانند. آلمانی‌ها فکر می‌کردند که حداکثر ۲۰۰ نفر در این برنامه شرکت خواهند کرد ولی جمعیت شرکت‌کننده و تماشاچی به چندین هزار نفر رسید و تمام محوطه و باغ انجمن و حتی درخت‌های آن هم مملو از جمعیت شد. سخنان شاعران و گویندگان هم از حدود شعر و ادب فراتر رفت و سر و صدای زیادی به راه انداخت (سولیوان، ۱۳۶۱: ۱۰۳).

۵۰ساله رژیم پهلوی در ایران، ریشه‌کن شد و حکومت جمهوری اسلامی تأسیس گردید. در انقلاب اسلامی ایران مردم بازیگران اصلی بودند، آن‌ها با حضور خود در صحنه، پیروزی انقلاب اسلامی را تحقق بخشیدند.

مردم هنگامی که از شرایط حاکم ناراضی می‌شوند باید به‌گونه‌ای بسیج شوند و اعتراضشان را بیان کنند. طبق یافته‌های پژوهش، ابزارها و شیوه‌های بسیج در انقلاب اسلامی ایران شامل نوارهای کاست، منابر، رادیوهای خارجی، اعلامیه‌ها، مطبوعات، سخنرانی‌ها، اسطوره‌سازی، و اعمال فشار و یا اعلام حمایت به‌منظور جذب نیروهای انقلابی بیشتر بودند.

بنابراین به‌منظور بسیج کردن مردم در جریان انقلاب اسلامی، هم از فناوری‌های جدید مانند نوار کاست استفاده شد که پیش‌ازین در انقلاب‌های دیگر سابقه نداشت و هم رهبران انقلاب با توسل به اعتقادات مذهبی و سنت‌های مردم توانستند آن‌ها را بسیج کنند. استفاده از منبر و سخنرانی‌های مذهبی به‌منظور بسیج مردم، بسیار تأثیرگذار بود و مردمی که از دیرباز برای مسجد، منبر و روحانیت تقدس و جایگاه خاصی قائل بودند را هر روز بیشتر جذب کرد. اسطوره‌سازی نیز به‌عنوان روشی مؤثر در بسیج مردم، ریشه در دین و مذهب ایرانیان داشت که به بهترین شکل به کار گرفته شد. با توجه به آنچه که در سطور پیشین آمد، رهبران انقلابی به‌منظور بسیج بیشتر مردم از ابزارها و شیوه‌های مختلفی بهره گرفتند که اغلب ریشه در فرهنگ مردم ایران داشت.

همین‌طور در مورد ابزارها و شیوه‌های اعتراض در انقلاب اسلامی ایران موارد زیر استخراج گردید. راهپیمایی‌ها، اعتصاب‌ها، شعارها، اعتصاب غذا، الله‌اکبرهای شبانه، تحصن، تخریب و تصرف، قتل و ترور، تمرد و طغیان نظامیان و پیوستن به مردم، مبارزه مسلحانه، برگزاری شب شعر و ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز تاکتیک‌های اعتراضی مردم ایران در مقابل

تمام شئون مملکت بند اول نامه را تشکیل می‌داد. در بند دوم صحبت از این بود که دولت هیچ مسئولیتی، هیچ قدرتی، هیچ حقوقی برای مردم ایران قائل نیست و آنچه را که خود می‌کند، همیشه نسبت می‌دهد به اوامر شاهانه. در بند سوم اشاره شده بود به اینکه انقلابی را که شما (خطاب به شخص شاه) تصور می‌کردید دگرگونی در راه تمدن و در راه ترقی، عدالت اجتماعی و این‌ها جلوی پای ما بگذارد به بن‌بست کامل رسیده و خود شما هم شاهد و ناظر هستید. پس ما پیشنهاد می‌کنیم - و این قسمت آخرش بود- حقوق مردم ایران بر طبق قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر محترم شمرده شود، انتخابات آزاد باشد، تمام مواد قانون اساسی مدنظر باشد و دولت مسئول بایستی مورد تأیید واقعی مملکت باشد و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند و اگر این کار را نکنید (اینجا نه تهدیدی بود، نه اهانتی) انتظار می‌رود که مملکت دچار یک بدبختی و بی‌سر و سامانی و یک وضع به تمام معنا غیرعادی برای آینده شود. دو نسخه از این نامه به دربار ارسال شد (باقی، ۱۳۷۳: ۲۱۹-۲۱۸).

در مورد تنظیم و ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز می‌توان به نامه‌ای دیگر که تعدادی از روشنفکران و گردانندگان کمیته دفاع از حقوق بشر- همچون مهدی بازرگان، کریم سنجابی، زیرک‌زاده، احمد صدر، حسینی و آیت‌الله زنجانی- خطاب به دبیر کل سازمان ملل نوشتند، نام برد. در این نامه مفصل نویسندگان نظرات خود را درباره اوضاع کشور و نبود آزادی و وجود شکنجه نوشته و آن را تسلیم دبیر کل سازمان ملل متحد که به تهران آمده بود، کردند (حسن‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۷۶).

بحث و نتیجه‌گیری

در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تاریخ نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به نقطه عطف خود رسید. در این روز سرانجام مبارزات مردم مسلمان به بار نشست و پادشاهی ۲۵۰۰ ساله و استبداد بیش از

رژیم پهلوی بودند. توجه به شیوه‌های اعتراضی نام برده شده، نشان می‌دهد که در جریان انقلاب اسلامی، سعی بر آن بود که حتی‌الامکان از روش‌های اعتراضی غیرخشونت‌بار و کم‌خطر استفاده شود. اگرچه همان‌طور که قبلاً اشاره شد روش‌های خشونت‌باری همچون قتل و ترور و مبارزه مسلحانه هم در چنته کنش مردم ایران وجود داشت اما به نسبت سایر روش‌ها مانند راهپیمایی و اعتصاب، قابل توجه نبودند.

منابع

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.

احمدپور، بابک (۱۳۸۹). «سیر تحول ابزار و شیوه‌های بسیج و اعتراض از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد.

اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۷۸). «تشیع، ایدئولوژی مسلط بسیج مردمی در انقلاب اسلام». پایان‌نامه دکتری. دانشگاه تهران.

اردستانی، حسین (۱۳۷۶). «جدال تصمیم‌گیری نخبگان، بررسی عوامل شتاب‌دهنده فروپاشی نظام شاهنشاهی ۵۶-۵۷». نشریه پانزده خرداد. س ۵، ش ۲۱.

اقدسی، مجیدرضا (۱۳۸۹). *انقلاب اسلامی ایران از دی ۵۶ تا بهمن ۵۷*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

الگار، حامد (۱۳۶۰). *انقلاب اسلامی ایران*. ترجمه مرتضی اسعدی و حسین چیدری. تهران: انتشارات قلم.

الوندی، پدram (۱۳۸۹). «مسجد و منبر: نمود نظام ارتباطات سنتی ایران». *ماهنامه سپیده دانایی*. س ۴، ش ۳۸.

بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. تهران: چاپ نراقی.

باقی، عمادالدین (۱۳۷۳). *تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران (مجموعه برنامه داستان انقلاب از رادیو بی‌بی‌سی)*. قم: نشر تفکر.

_____ (۱۳۸۲). *بررسی انقلاب ایران*. تهران: انتشارات سرایی.

بزرگمهر، نورالدین (۱۳۵۸). *در طلوع آزادی جای شهدا خالی*. تهران: آگاه.

بشیریه، حسین (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.

_____ (۱۳۹۰). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بهشتی سرشت، محسن (۱۳۹۱). *زمانه و زندگی امام (ره)*. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

بهنود، مسعود (۱۳۶۶). *از سید ضیا تا بختیار*. تهران: انتشارات جاویدان.

بی‌نا (بی‌تا). *همگام با شعارها در انقلاب اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سپاه پاسداران.

پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

_____ (۱۳۸۵). «ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی». *فصلنامه نامه علوم اجتماعی*. س ۱۵، ش ۲۹.

_____ (۱۳۹۱). *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها*. تهران: سمت.

تائب، سعید (۱۳۸۲). *از اعتصاب کارکنان صنعت نفت تا پیروزی انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

جعفرپور، رشید و حسین قزلباق، ایمان (۱۳۸۹). «نقش رسانه منبر در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی». *مجله رهیافت انقلاب اسلامی*. س ۴، ش ۱۲.

حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۷۷). «تحلیلی بر واقعه ۱۹ دی ۵۶». *پژوهشنامه متین*. س ۱، ش ۱.

خلیلی، اکبر (۱۳۶۰). *گام‌به‌گام با انقلاب*. جلد اول. تهران: سروش.

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (۱۳۷۸). *روزشمار انقلاب اسلامی*. جلد‌های ۴ و ۵. تهران: مؤسسه نشر سوره.

فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۷). *درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

قاسم‌پور، داوود (۱۳۸۵). *دهه سرنوشت‌ساز*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قره‌باغی، عباس (۱۳۶۸). *اعترافات ژنرال*. تهران: نشر نی.

کشاورز شکری، عباس و فرهادی، احسان (۱۳۹۰). «بسیج منابع در انقلاب اسلامی ایران». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. ش ۱، دوره اول، زمستان.

گرین، توماس اچ (۱۳۸۷). *جنبش‌های انقلابی معاصر*. ترجمه رشید شایگان‌پور. اهواز: رسش. ج ۱.

محمدی، منوچهر (۱۳۷۸). «انقلاب اسلامی در میان انقلاب‌های بزرگ جهان». *دوفصلنامه فلسفه و کلام*. س ۴، ش ۱۳.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۴). *اسناد انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. تهران.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). *درآمدی بر جنبش‌های اجتماعی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۸۱). *ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی)*. ج ۱. تهران: نشر عروج.

نواختی‌مقدم، امین و میرزائزاد، مرتضی (۱۳۹۲). «بررسی نقش رسانه‌های گرم و سرد بر پایه نظریه مک‌لوهان در روند تسریع پیروزی انقلاب اسلامی». *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. س ۱۰، ش ۳۲.

هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۲). *انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی*. تهران: طرح نو.

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (۱۳۷۹). *روزشمار انقلاب اسلامی*. جلد ۶. تهران: مؤسسه نشر سوره.

_____ (۱۳۸۳). *روزشمار انقلاب اسلامی*. جلد ۹. تهران: مؤسسه چاپ سوره.

دلپورتا، دوناتلا و دینانی، ماریو (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.

روحانی، حسن (۱۳۷۶). *انقلاب اسلامی، ریشه‌ها و چالش‌ها*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

روزنامه اطلاعات (بایگانی).

روزنامه کیهان (آرشیو).

سولیوان، ویلیام (۱۳۶۱). *مأموریت در ایران*. ترجمه محمود مشرفی. تهران: انتشارات هفته.

شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۳). «نقش و عملکرد دین در وضعیت انقلابی، بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. س ۵، ش ۳.

علوی، بزرگ (۱۳۸۸). *پنجاه و سه نفر*. تهران: انتشارات نگاه. علی‌اکبری بایگی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران از مهاجرت امام خمینی (ره) به پاریس تا پیروزی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۴). *گزیده انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

غفاری، هشجین و مرشدی‌زاد، علی و خدادادی، هانیه (۱۳۹۱). «نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی». *مجله دانش سیاسی*. ش ۲، دوره شانزدهم، پاییز و زمستان.